نماز شب

**مؤلف:**

**بسام عطیه فرج**

**مترجم:**

**عبدالغنی براهویی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نماز شب | | | |
| **مؤلف:** | بسام عطیه فرج | | | |
| **مترجم:** | عبدالغنی براهویی | | | |
| **موضوع:** | اخلاق اسلامی - مواعظ و حکمت‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc429838795)

[پیشگفتار 1](#_Toc429838796)

[قرآن و شب‌زنده‌داری 7](#_Toc429838797)

[تشویق و تأکید رسول اکرمص بر شب‌زنده‌داری 9](#_Toc429838798)

[شب‌زنده‌داری و شیطان 13](#_Toc429838799)

[حکم کسی که برنامه‌ای برای عبادت نداشته باشد 15](#_Toc429838800)

[شروع شب‌زنده‌داری با تلاوت قرآن و دعاهای مأثور 17](#_Toc429838801)

[استفاده از مسواک 23](#_Toc429838802)

[بهترین وقت قیام 25](#_Toc429838803)

[تعداد رکعات و کیفیت آن‌ها 28](#_Toc429838804)

[نماز وتر و چگونگی گزاردن آن 31](#_Toc429838805)

[تلاوت قرآن در نماز شب 33](#_Toc429838806)

[پیامبرص و طول‌دادن نماز 34](#_Toc429838807)

[همکاری زن و شوهر و نزدیکان در نماز شب 36](#_Toc429838808)

[اجازه‌گرفتن زن از شوهر برای قیام 39](#_Toc429838809)

[شب‌زنده‌داری و جلوگیری انسان از ارتکاب گناه 41](#_Toc429838810)

[تأثیر نماز تهجد و شب‌زنده‌داری در صحت و سلامتی 43](#_Toc429838811)

[تخفیف برای سالمندان، بیماران و خستگان 45](#_Toc429838812)

[حکم کسی که از نمازهای تهجد غفلت ورزیده و خوابیده است 49](#_Toc429838813)

[حکم شب‌زنده‌داری 51](#_Toc429838814)

[عوامل یاریگر بر قیام شب 52](#_Toc429838815)

[گلچینی از حالات و سخنان گهربار دانشمندان اسلامی 54](#_Toc429838816)

[سخن آخر 59](#_Toc429838817)

[منابع 63](#_Toc429838818)

پیشگفتار

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونؤمن به ونتوكل عليه و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. اما بعد:

باری، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ٦٤﴾ [الفرقان:63–64]([[1]](#footnote-1)).

کسانی که وظیفه‌ی دعوت را بر عهده دارند، بیش از دیگران به شب‌زنده‌داری نیازمندند. شب‌زنده‌داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبرداردکردن نفس از خداوند. کسی که به خاطر نماز، خواب و راحتی و بستر گرم و نرم خویش را ترک می‌کند، و با تمایلات نفسانی‌اش به مبارزه برمی‌خیزد، با آب سرد وضو می‌گیرد، و آماده‌ی نماز و عبادت و تقرب به خدا می‌شود، بی‌شک شایستگی و آمادگی دعوت و تبلیغ را نیز به خوبی می‌یابد، رسول اکرمص می‌فرماید:

«إذا أراد العبد الصلاة من الليل أتاه الملك، فقال له: قم، قد أصبحت فصل، واذكر ربك، فيأتيه الشيطان، فيقول: عليك بليل طويل وسوف تقوم، فإن قام فصلى أصبح خفيف الجسم، قرير العين، وإن هو أطاع الشيطان حتى يصبح بال الشيطان في أذنه»([[2]](#footnote-2)).

«هرگاه بنده در شب قصد نماز کند، فرشته‌ای از سوی پروردگار نزد وی می‌آید و به وی چنین خطاب می‌کند: برخیز که صبح شده است، برخیز و نماز برپا دار و به ذکر و یاد پروردگارت بپرداز. از طرف دیگر شیطان می‌آید و به او می‌گوید: شب دراز است، بخواب، بعداً بیدار خواهی شد. اگر برخیزد و نماز را به جای آورد، سبک و با نشاط و شادمان خواهد شد، و اگر از شیطان فرمان برد، تا اینکه بامداد شود [و نماز نگزارد] بی‌گمان در گوشش ادرار خواهد کرد».

قیام شب، دلیل اخلاص و تجرد انسان و نشان دوری وی از ریا و تظاهر است، اخلاص که از بایسته‌ترین صفات دعوتگران است، شرط پذیرش عمل به درگاه خدا نیز هست. در این مورد ولید الاعظمی چه زیبا سروده است:([[3]](#footnote-3))

«ای شب! بی‌گمان قیام و بیدار نگه‌داشتن تو، مدرسه‌ای است که در آن قرآن به من معانی اخلاص را می‌آموزد. لذا آن را به عنوان یگانه برنامه و راه زندگی برمی‌گزینم، چرا که مرا در بهشت جای می‌دهد و همواره نشانم می‌دهد که دنیا چگونه با زرق و برق فریبنده و دروغینش می‌خواهد من را در خود فرو برد، همانند آفتاب‌پرست در هر لحظه برای فریبم با رنگی فریبنده جلوه می‌کند. سعی دارد که مرا با آلوده‌کردن به گناه نابود و محو کند، پس از آن دور می‌شوم، عداوت به دل می‌گیرم، و همواره زیر نظرش می‌گیرم که چگونه مرا وسوسه می‌کند، لذا قلب را به پروردگارش وصل می‌کنم، تا راه غفلت و انحراف نروم و یاد و ذکر مداومِ پروردگار هم از من حراست و حفاظت می‌کند».

همه‌ی ما گنه‌کار و مقصریم. چه زیباست که وقت سحر درگاه خداوند را بکوبیم، و از او آمرزش و رحمت بخواهیم. سحرگاه هم بهترین موقع اجابت دعاست. خداوند آنان را که سحرگاهان آمرزش می‌خواهند، چنین توصیف می‌کند:

﴿لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦ ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ١٧﴾ [آل عمران: 15 - 17]([[4]](#footnote-4)).

دعای شبانه بهترین و آرام‌ترین عبادت‌هاست، انسان در تاریکی شب بهتر می‌تواند خود را به درگاه خدا خاشع و فروتن کند. از ابوامامه روایت است که از حضرت پیامبرص پرسیدند: «کدام دعا به اجابت نزدیک‌تر است؟ فرمود: دعایی که در آخر شب و بعد از نمازهای واجب درخواست شود». از حضرت جابر روایت است که گفت: شنیدم رسول اللهص می‌گفت: «ساعتی در شب است که اگر دعای شخص با آن ساعت هم‌زمان شود، هرچه بخواهد، دنیوی باشد یا اخروی، خدا از او می‌پذیرد. و این ساعت در تمام شب‌ها وجود دارد»([[5]](#footnote-5)). دعاکردن در سجده بسیار خوب است؛ زیرا در آن لحظه انسان به خدا نزدیک‌تر است. پس باید در آن حال بیشتر دعا کند. از ابوهریرهس روایت است که رسول اللهص فرمود:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ»([[6]](#footnote-6)).

«نزدیکترین حالت بنده به خدا سجده است، پس در آن بسیار دعا کنید».

«يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ»([[7]](#footnote-7)).

«پروردگار ما هر شب پس از سپری‌شدن ثلث آخر شب به آسمانِ فرودین نازل می‌شود، و می‌پرسد: کیست که مرا بخواند تا دعایش را اجابت کنم؟، کیست که از من چیزی بخواهد تا هرچه بخواهد بدو عطا کنم و چه کسی طالب آمرزش است، تا ببخشایمش؟».

آیا با این همه بازهم غفلت و تنبلی کنیم؟ در صورتی که می‌دانیم، اگر به مردم گفته شود، همان وقت شب در فلان جا پول و گوشت و کالایی توزیع می‌کنند، همگی به سرعت بدان سمت می‌شتابند، پس بهتر است قدری به خود آییم و از این فرصت‌ها استفاده کنیم، فرشتگان فضل و رحمت خداوند را فرود می‌آورند، و در خانه‌ای که شب‌زنده‌داری می‌شود، نازل می‌گردند و سعادت حقیقی همه جای آن را فرا می‌گیرد.

چه خوب است که در خانه زن و شوهر هردو باهم برای تحقق این امر سعی و تلاش کنند.

حسن البناء/ در رساله‌ی «المناجاة» چنین می‌گوید: «ای برادر، بهترین وقت مناجات و راز و نیاز زمان خلوت تو با خداست، آن هم در موقعی که شب پرده‌های سیاه خود را بر زمین می‌کشد، و ستارگان ظاهر می‌شوند و مردم در خواب فرو می‌روند، ولی خلوت گزینان بیدارند و با حضور قلب پروردگارشان را یاد می‌کنند. پس در آن لحظات عجز و ناتوانی خود را ببین، پروردگارت را به بزرگی یاد کن و از ترس هیبتش گریه کن تا دلت آرام گیرد. به مراقبت او آگاه باش، در دعا اصرار کن، در استغفار بکوش و احتیاجاتت را به پیشگاه ذاتی عرضه کن که از هیچ چیز درنمی‌ماند، و وقتی اراده می‌کند که چیزی وجود پیدا کند به او می‌گوید باش پس می‌شود. تو هم خیر دنیا و آخرت و آمال خود را از او بخواه و برای سرزمین و خاندانت دعای خیر کن.

﴿وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١٢٦﴾ [آل عمران: 126]([[8]](#footnote-8)).

در شب‌زنده‌داری و مناجاتِ پرورگار، چنان انس و الفتی نهفته است که ناراحتی و خستگی احساس نمی‌شود. پیامبرص در شب‌زنده‌داری‌ها و عبادات طولانی پاهایش ورم می‌کرد، ولی چون در انس الهی غرق بود متوجه درد و رنج آن نمی‌شد.

صالحان می‌گویند: هیچ لذتی در دنیا مانند لذت نعمت‌های آخرت نیست، مگر لذتی که از شیرینی مناجات در دلِ شب‌زنده‌داران پیدا می‌شود، پس شما نیز بکوشد که این لذت را بچشید.

در پایان به شما مسلمانان سفارش می‌کنم که شب‌زنده‌داری کنید و در تاریکی شب با حالت عجز و ناتوانی به درگاه مولای کریم بایستید و با تواضع و فروتنی و احساس تقصیر و اعتراف به گناه، بر آستانه‌اش سر تسلیم فرود آورید و به بخشایش او که بر مجرمان جاری است، امیدوار باشید تا از رحمت و احسانش بهره‌مند شوید و بهشت را پاداش خود گردانید.

برادران! با ادای نماز در تاریکی شب، قیام خاشعانه و سجده‌ی متواضعانه، ذکر و تسبیح و ریختن اشک، درهای رحمت خدا را بکوبید و به قبولی دعای‌تان در محضر او ایمان داشته باشید، و یادتان باشد که در این حال برای پیروزی دین اسلام و سایر مسلمانان نیز دعا کنید.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا رجال الليل جدوا |  | رب صوت لا يُرَدُّ |
| ما يقوم الليل إلا |  | من له عزم وجد([[9]](#footnote-9)) |

عبدالغنی براهویی

28 / 6 / 1378

قرآن و شب‌زنده‌داری[[10]](#footnote-10)\*

هرکس قرآنکریم را با اندیشه و تدبر تلاوت کند، بدون شک در خواهد یافت، تا چه حد خداوند سبحان در باره‌ی شب‌زنده‌داری تأکید و تشویق فراوان کرده است. خداوند چنان از شب‌زنده‌داران تعریف و تمجید بزرگوارانه می‌کند که هر انسان مسلمانی آرزو می‌کند که از آن گروه باشد، به عنوان مثال از شب‌زنده‌داران به عنوان اهل تقوا و احسان یاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ١٦ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧﴾ [الذاریات: 15 - 18]([[11]](#footnote-11)).

بدین ترتیب، قیام و شب‌زنده‌داران نشان پارسایی و نیکوکاری آنان است. گاهی هم از آنان به عنوان متفکران و اندیشه‌ورزان در باره‌ی حالات آخرت نام برده می‌شود؛ در جای دیگر به عنوان اهل دانش و علم یاد می‌شوند؛ گاهی هم به عنوان اهل رجا و خوف، زمانی نیز به عنوان خردمندان و صاحبان عقل یاد می‌شوند. خداوند متعال نیز در یک آیه تمامی این صفات ارزشمند را به این صورت فرموده است: ﴿أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩﴾ [الزمر: 9]([[12]](#footnote-12)).

به همین سبب خداوند سبحان در این آیه و آیات دیگر، بر شب‌زنده‌داری تشویق و تأکید فراوان کرده است. چون این عمل پربرکت دارای چنان فواید بی‌شمار و آثار پایدار و عمیقی است که پیشوای پیامبران و امام پارسایان، رسول اکرمص، آن را درک کرده و جهت تحصیل خیرات و برکات آن کمر همت بسته و آستین‌های جدیت را بالا زده و آن‌چنان برآن مداومت و مواظبت کرده است که پاهای مبارکش در اثر طول قیام، متورم می‌شده است. از این روی است که خداوند منان در بدو دعوت اسلامی، رسول اللهص و صحابه‌ی کرامش را به احیا و شب‌زنده‌داری امر می‌کند، تا هسته‌های اولیه‌ی دعوت اسلام قوی و سرشار از معنویت شود، چنان‌چه می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ١ قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤﴾ [المزمل: 1 - 4]([[13]](#footnote-13)).

با نزول این آیات، دوران آسایش و خواب سپری می‌شود و فصل جدیدی از تلاش و فعالیت، در حیات رسول الله و یارانش گشوده می‌شود که در حقیقت مرحله‌ی حساسِ تغییر و تحول و جهاد و سازندگی است؛ مرحله‌ای که مردانی نیرومند و بلند همت، با ایمانی قوی و پیوندی مستحکم با خداوند متعال را می‌طلبد، تا در مسیر دعوت الهی توانِ حملِ مشکلات و ناملایمات را داشته باشند و راسخ و استوار در راه دعوت گام بردارند. با نازل‌شدن این آیات، خداوند خواست مومنان را جهت فرماندهی و رهبری انسان‌ها و برای تغییر مسیر تاریخ مهیا و آماده کند، و زمانی که اصحاب دستورات خداوند را گردن نهادند، این مسئله عملاً صورت پذیرفت، و خداوند هم به ایشان تمکین و عزت و کرامت عنایت فرمود.

پس دعوتگران امروزی هم اگر حقیقتاً با جدیت قدم در راه تغییر و تحول نهاده‌اند، باید به مدرسه‌ی انسان سازِ شب زنده‌داری بازگردند و خود و همراهان‌شان را همانند نسل اول اسلام تربیت و پرورش کنند.

«چرا که سرانجام این امت، اصلاح نخواهد شد، مگر با همان چیزهایی که نسل اول با آن‌ها اصلاح شد»([[14]](#footnote-14)).

تشویق و تأکید رسول اکرم**ص** بر شب‌زنده‌داری

رسولص در مورد شب‌زنده‌داری تأکید و تشویق فراوانی کرده و تبیین کرده است که فضیلت آن بسیار بزرگ و عظیم است، و هرکس آن را رعایت و اجرا کند، دارای مقامی عالی و مرتبه‌ای بلند خواهد بود. چنان‌که در حدیثی بسیار پرمحتوا که ابوامامه از آن حضرت روایت می‌کند، می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ»([[15]](#footnote-15)) «شب‌زنده‌داری را بر خود لازم گیرید، چون شیوه‌ی نیکان پیش از شما بوده است».

در این حدیث رسول اکرمص بیان می‌دارد که شب‌زنده‌داری عادت و علامت نیکان و صالحان است که با آن شناخته و از دیگران متمایز می‌شوند و از جماعت و گروه صالحان به حساب می‌آیند.

به همین سبب است که قیام شب، برنامه‌ی نیک‌ترین نیکان و پیشوای پارسایان، رسول اللهص حتی در آخرین لحظات زندگی‌اش بوده است. همچنین خلفای راشدین، علما و دانشمندان بعد از آن حضرتص نیز، با اقتدا به آن اسوده‌ی حسنه، همین راه و روش را ادامه داده‌اند.

زمانی بر اهمیت این امر افزوده می‌شود که می‌بینیم چون از آن حضرتص در باره‌ی بهترین اعمال پرسیده می‌شود، ایشان پاسخ می‌دهند: بهترین اعمال، طول‌دادنِ قیام است([[16]](#footnote-16)). همچنین بهترین نماز، بعد از نمازهای فرض، نماز شب است([[17]](#footnote-17)).

پس در این دو حدیث، حضرت رسولص طول‌دادنِ قیام را از بهترین اعمال، برشمرده است. در ضمن ما را تشویق و راهنمایی کرده است که نماز شب را برپا داریم، برای آن از تمام لحظات استفاده کنیم، و هیچگاه از آن غفلت نورزیم. ولی متأسفانه امروزه نسبت به این امر عظیم از سوی مسلمانان کوتاهی و غفلت می‌شود.

رسول اکرمص برای کسی که شب جهت قیام بیدار شود، و زنش را نیز بیدار کند، دعای رحمت و مغفرت کرده است، همچنین برای زنی که شب بیدار شود و شوهر خود را نیز جهت قیام بیدار کند، دعای رحمت و مغفرت کرده است. حضرت ابوهریرهس این حدیث را از رسول اللهص چنین روایت می‌کند: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلاً قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّي وَأَيْقَظَ امْرَأَتَهُ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ وَأَيْقَظَتْ زَوْجَهَا»([[18]](#footnote-18)) «خداوند آن مرد را مورد رحم و مغفرت قرار دهد که پاسی از شب بیدار و به نمازخواندن مشغول می‌شود و همسرش را نیز جهت ادای نمازش شب بیدار می‌کند و خداوند زنی را مورد رحمت و مغفرت قرار دهد که در شب برای نماز شب بیدار می‌شود و شوهرش را نیز برای ادای نماز بیدار می‌کند».

دعای خیر رسول اللهص برای صاحب این عمل، دلالت بر عظمت و اهمیت و محبوبیت این امر در پیشگاه خداوند دارد، دستور پیامبر نیز بر همین اساس است.

همچنین فرمان پیامبر اکرمص به سبب علاقه و محبت شدید آن حضرت نسبت به این عبادت است، تا جایی که پاهای مبارکش به علت طول و کثرت قیام متورم می‌شد([[19]](#footnote-19)). پس بیایید به سوی خلوتکده‌ی شب بشتابیم، تا مشمول این دعای پرفیض و برکت رسول اللهص شویم و به سعادت دنیا و آخرت نایل آییم.

عبدالله بن سلامس می‌گوید:([[20]](#footnote-20)) در اوایل که رسول اکرمص تازه به مدینه تشریف آوردند و مردم جهت استقبال آن حضرت شتافتند، من از جمله کسانی بودم که به استقبال پیامبر آمده بودند. به محض دیدن سیمای مبارک آن حضرت دریافتم که این سیما، سیمای دروغین نیست، و اولین سخنی که از ایشان شنیدم این بود: «أفْشُوا السَّلامَ بَيْنَكُم وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الأَرْحَامَ وَصَلُّوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلاَمٍ»([[21]](#footnote-21)) «سلام‌کردن را بین خودتان گسترش دهید، و عمومی کنید؛ به مستمندان غذا دهید؛ بین خودتان پیوند خویشاوندی برقرار کنید، و در شب هنگامی که مردم خوابند، به نمازخواندن بپردازید، آنگاه است که با سلامتی وارد بهشت خواهید شد».

سلمان فارسی می‌گوید: «نماز شب را بر خود لازم گیرید، زیرا شب‌زنده‌داری شیوه و عادت نیکان قبل از شما بوده است؛ شما را به پروردگارتان نزدیک می‌کند؛ موجب بخشوده‌شدن گناهان‌تان می‌شود، از ارتکاب گناه باز می‌دارد و بیماری را از جسم می‌زداید».

فضیل بن عیاض می‌گوید: «هرگاه خورشید غرویب کند، با فرارسیدن تاریکی خوشحال و خرسند می‌شوم، چرا که در تاریکی با پروردگارم خلوت می‌کنم و چون خورشید طلوع می‌کند، غمگین می‌شوم، چون وقت اختلاط و رفت و آمد مردم است».

ابوسلیمان می‌گوید: «اهل شب و شب‌زنده‌داران در لحظات شب، از کسانی که در لهو و لعب سرگرم اند بیشتر لذت می‌برند، و اگر شب نمی‌بود، ماندن در این دنیا را نمی‌پسندیدم».

محمد ابن المنکدر می‌گوید: «از لذت‌های دنیا جز سه لذت چیزی دیگر باقی نمانده است؛ قیام و شب‌زنده‌داری، دیدار برادران ایمانی و نماز جماعت».

شب، لحظه‌ی صفا و شفافیت درون و بیداری قلب است و عبادت در آن لحظه، استوارتر، ژرف‌تر و پایدارتر است.

شب‌زنده‌داری و شیطان

بدون تردید شیطان بی‌نهایت دوست دارد که انسان در هنگام شب بخوابد و هرگز دوست ندارد، کسی از خواب بیدار شود و با خدای خویش خلوت کند. چون می‌داند شب زمانِ صفا و پاکی و هنگام اخلاص و وقت اجابت دعاها و نیازها و خواسته‌هاست؛ در آن لحظات خداوند با نور و رحمت خود بر بندگان خویش، تجلی می‌کند. این تنها چیزی است که شیطان را پریشان و مضطرب می‌کند؛ پس می‌کوشد تا انسان از خواب بیدار نشود، و فرصت عبادت و نیایش برای او فراهم نشود.

رسول اکرمص می‌فرماید: «هنگامی که انسان می‌خوابد، شیطان سه گره بر سر او می‌زند و بر هر گرهی این‌چنین می‌گوید که بخواب، شب خیلی دراز است»([[22]](#footnote-22)) علاوه برآن، در گوش انسان ادرار می‌کند تا هرگز از خواب بیدار نشود، و با این عمل پلید خود آخرین ضربه را به انسان وارد می‌کند و به کار خود استحکام می‌بخشد، این مطلب در حدیثی چنین آمده است: در محضر رسول اکرمص از فردی سخن به میان آمد و گفته شد که او همیشه تا طلوع خورشید می‌خوابد، آن حضرت فرمود: «آن مرد کسی است که شیطان در گوش او ادرار کرده است»([[23]](#footnote-23)). ملاحظه می‌شود که صحابه‌ی کرامش چگونه تکرار این عمل را ناپسند می‌دانستند، و این خود نشانه‌ی اهتمام آن بزرگواران نسبت به شب‌زنده‌داری و قیام اللیل است. به همین دلیل عمل آن مرد را به رسول اللهص گفتند تا بدینسان او را نسبت به سستی و بی‌توجهی‌اش آگاه کنند و پیامبر هم او را برای قیام و شب‌زنده‌داری تشویق و ترغیب کند.

این است شیوه‌ی یاران رسول اللهص که مسیر تاریخ را تغییر دادند. ای کسانی که خواهان استقرارِ حکومتِ اسلامی و خواهان بازگشت مجد و عظمتِ خلافتِ اسلامی هستید، لازم است مانند اصحابش بزرگوار باشید، و خود را به درجه‌ی بزرگی و عظمت آنان برسانید؛ به آن چه آنان پایبند بودند، پایبند باشید و فقط راه و مسیر آنان را بپیمایید که فلاح و رستگاری تنها در پیمودن راه آنان است و بس. با این روش است که بارانِ رحمتِ الهی بر شما فرو خواهد ریخت، و ابر رستگاری و پیروزی بر سر شما سایه خواهد افکند. نیز از شیطان و ایادی‌اش شدیداً باید دور باشید؛ چرا که او هرگز از ایجاد سستی و رخوت در اراده‌ی شما کوتاهی نمی‌کند و لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزد. بنابراین، لازم است راه‌های نفوذ او را با نماز شب و یاد و ذکر خدا و انجام تکالیف دینی مسدود کنید، چون هر نوع سستی و تأخیر در انجام تکالیف شرعی مایه‌ی شادمانی اهریمن خواهد بود و موجب تأخیر در پیروزی حکومت و استقرار خلافتِ اسلامی خواهد شد.

اکنون که مسلمان زیرک و هوشمند، جدیت و پشتکار شیطان را از احادیث گذشته در مبارزه با حق و اهل آن مشاهده کرد، از دو حالت خارج نیست؛ یا دست روی دست می‌گذارد؛ از میدان پیکار عقب‌نشینی می‌کند و زمین‌گیر می‌شود و در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های اهریمن سر تسلیم فرود می‌آورد. یا اینکه آستین‌ها را بالا می‌زند و با تمام قدرت و نیرو، جهت انجام عبادت و فرمانبری خداوند از هیچگونه تلاش و کوششی دریغ نمی‌ورزد، تا زمانی که خود را به چنان مقام و موقعیتی برساند که پروردگار از او خشنود و راضی باشد. آن هنگام است که -ان شاء الله- رحمت و پیروزی پروردگار به استقبالش خواهد آمد. ﴿إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ٧﴾.

حکم کسی که برنامه‌ای برای عبادت نداشته باشد

همانگونه که قبلاً بیان شد، آن حضرتص به قیام و شب‌زنده‌داری، ترغیب و تشویق فراوان کرده است و گاهی از ستودنِ کسی که شب‌زنده‌داری نمی‌کرد، خودداری می‌ورزید، و بدین شکل صحابه کرامش را بر قیام و شب‌زنده‌داری تشویق می‌کرد، در مورد عبدالله بن عمرب می‌فرماید: «نِعْمَ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّهِ لَوْ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ»، قال الراوي: فكان لا ينام من الليل إلا قليلا([[24]](#footnote-24)) «عبدالله مرد خوبی است، اگر به قیام و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. راوی این حدیث می‌گوید: وی پس از شنیدن این سخن در شب بسیار اندک می‌خوابید». دیدید که آن حضرتص از ستایش عبدالله بن عمر به سبب عدم قیام و یا سستی در آن امتناع ورزید. و ستایشِ او را مشروط به شب زنده‌داری کرد.

از برخی احادیث چنین برمی‌آید که ترک قیام شب، در شخصیت انسان مسلمان نقص و کمبود محسوب می‌شود. از اینروست که آن حضرت کسی را که به شب‌زنده‌داری اهمیت نمی‌دهد و یا آن را پس از مدتی ترک می‌کند، مورد سرزنش و مذمت قرار می‌دهد، همانطور که در جریان عبدالله بن عمر مشاهده شد که آن حضرتص عبدالله را چنین مورد خطاب قرار داد: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لاَ تَكُنْ بِمِثْلِ فُلاَنٍ كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ» «ای عبدالله، مثل فلان شخص مباش که شب‌زنده‌داری می‌کرد، ولی پس از مدتی آن را رها کرد».

در اینجا دوست دارم اندکی با عبدالله بن عمر همدم شوم. شگفتا! واکنش او در برابر فرمایش پیامبرص چه بود؟ چنان واکنش مثبت و به جایی نشان داد که تاریخ برای همیشه آن را در سینه‌ی خود حفظ کرد؛ هنگامی که ابن عمر سخنان پیامبر را شنید، شب‌زنده‌داری را آغاز کرد، و تا جایی که اوضاع و احوال اجازه می‌داد، آن را تا پایان عمر ترک نکرد.

این است برخورد صحابه‌ی کرامش با سنت پیشوایشان؛ چرا که می‌دانستند آنچه رسول اللهص بدان امر می‌کند، بدون شک عین سعادت و مایه نجات و رستگاری در دنیا و آخرت خواهد بود، از این رو با طیب خاطر به آن عمل می‌کردند و هرگاه از انجام کاری منع می‌شدند، بدون هیچگونه چون و چرایی از آن دست می‌کشیدند، اما اکنون وضع ما در مورد سنت‌ها و دستورات آن حضرتص چگونه است؟!

متأسفانه اکنون یکی از عوامل مهمی که انسان را داغدار و ناراحت می‌کند، این است که اکثر مسلمانان ارکان اسلام و حتی اصول ایمان را به دست فراموشی سپرده‌اند و با کمال تأسف به اصول و مبادی غیر اسلامی نظیر کمونیستم، ناسیونالیسم و.. گرایش پیدا کرده‌اند، عده‌ای نیز از این فراتر رفته‌اند و -العیاذ بالله- ذات مقدس باری تعالی را مورد سب و شتم قرار می‌دهند، گروهی دیگر به دین، پیامبر و اسلام اهانت روا می‌دارند، گذشته از این، حتی هنگامی که به برخی از ملت‌زمان و دینداران گفته می‌شود که رسول اللهص فلان چیز را واجب و ضروری قرار داده است، دنبال کسی می‌گردند که به آنان بگوید: این کار واجب نیست، بلکه سنت و یا مستحب است. آنگاه که پاسخ خود را یافتند، راحت می‌شوند و می‌گویند: سنت است. به گمان ایشان سنت یعنی اینکه مهم نسیت؛ فراموشش کن! وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلا بِاللَّهِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ!

خداوندا! دستاورد زحمات پیامبرص و اصحابش چه بود که چنین افرادی با این وضع و حال، وارثان اسلام شدند؟! دولت و خلافت اسلامی را از دست دادند و آن را تکه پاره کردند، تا آنکه به صورت دولت‌های کوچک و ناتوان تقسیم شد، و اکنون در نگاه دشمنان، اسلام و مسلمانان هیچگونه ارزش و ابهتی ندارند. از آن بدتر اینکه بسیاری از سرزمین‌های اسلامی را از دست دادند؛ فلسطین به دست یهود، اسپانیا به دست مسیحیان و افغانستان به دست کمونیست‌ها افتاد و..، به مقلدان ذلیل تبدیل شدیم و با آنکه قبلاً به آدمیان آموخته بودیم که تمدن و پیشرفت چیست، خود از کاروان مدنیت و ترقی بازماندیم. چه زیبا و دلنشین است کلام الهی که می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ﴾ [الرعد: 11]([[25]](#footnote-25)).

شروع شب‌زنده‌داری با تلاوت قرآن و دعاهای مأثور

(1) امام مسلم از ابن عباس نقل می‌کند که «آن حضرتص تا نصف شب می‌خوابید. سپس اندکی قبل از نیمه شب یا بعد از آن از خواب بیدار می‌شد و آثار خواب را با دستان مبارک از چهره‌اش می‌زدود و ده آیه‌ای آخر سوره‌ی آل عمران را تلاوت می‌کرد»([[26]](#footnote-26)). شیوه‌ی آن حضرتص چنین بود که در اثنای قیام و قبل از آن خیلی دعا می‌کردند.

(2) امام بخاری/ از ابن عباسب روایت می‌کند: «آن حضرتص هرگاه جهت نماز شب از خواب بیدار می‌شد، چنین دعا می‌فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ -صلى الله عليه وسلم- حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاغْفِرْ لِى مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ»([[27]](#footnote-27)).

«بار الها! ستایش و تعریف، زیبنده و ویژه‌ی ذات مقدس توست؛ تو مالک و دارنده‌ی آسمان‌ها و زمین و هرآنچه در آن‌هاست می‌باشی. ستایش و تعریف ویژه‌ی ذات توست، نور آسمان‌ها و زمین تویی. حمد و ستایش مخصوص توست و تو پادشاه آسمان‌ها و زمینی؛ حمد و ستایش و یژه‌ی توست. تو حقی و وعده‌ی تو برحق است و دیدار تو برحق است، و گفتار و کلام تو برحق است و بهشت حق است و جهنم حق است. پیامبران هم برحق‌اند، و محمدص برحق است و قیامت حق است. خدایا! تسلیم فرمان تو شدم و به تو ایمان آوردم و بر توکل کردم و به سوی تو بازگشتم و به خاطر تو دشمنی ورزیدم و تو را حَکَم قرار دادم. پس گناهان گذشته و آینده، پنهان و آشکارم را بیامرز. تو مقدم و مؤخر هستی. جز ذات تو اله دیگری وجود ندارد، و غیر از تو معبودی [راستین] نیست و هیچ نیرو و توانی جز نیرو و توان تو وجود ندارد».

(3) سنت است نماز را با دعایی که عایشهل روایت کرده است، آغاز کنید. ایشان می‌فرماید: «هرگاه رسول اللهص برای قیام و نماز شب از خواب برمی‌خاست نماز خویش را این‌چنین آغاز می‌کرد: «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِى لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ لَتَهْدِى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»([[28]](#footnote-28)) «بار الها! ای پروردگار جبرئیل و مکائیل و اسرافیل! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! ای داننده‌ی نهان و آشکار! تو بین بندگان خود، در آنچه اختلاف می‌ورزند حکم و قضاوت می‌کنی، مرا به آنچه که از حق در آن اختلاف شده است، به فضل خویش راهنمایی کن؛ چرا که تو هرکسی را که بخواهی به راه راست رهنمون می‌شوی».

(4) همچنین سنت است که در اثنای قیام این دعا را بخوانید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا».

«پروردگارا! تو را در قلب و گوش و چشم و بالا و پایین و راست و چپ و مقابل و پشت و درون من قرار ده و نور را برای من عظیم کن!».

(5) مستحب است که هرگاه نمازگزار با آیه‌ای مواجه شد که در آن تسبیح است، تسبیح گوید و اگر تقاضا باشد، طلب کند. اگر یاری‌طلبی و استعانت باشد، کمک و استعانت بطلبد و اگر تعوذ و پناه‌جویی باشد، از خدا پناه بجوید. امام مسلم از حذیفه نقل می‌کند که «شبی بار سول اللهص به نماز ایستادم؛ تلاوت سوره‌ی بقره را آغاز کرد؛ تصور کردم که در آیه‌ی صدم رکوع می‌کند، ولی ادامه داد؛ فکر کردم که آن را در یک رکعت می‌خواند. سپس سوره‌ی نساء را آغاز کرد، آن را هم به اتمام رساند، بعد از آن آل عمران را آغاز نمود و آهسته آهسته تلاوت می‌نمود و هرگاه به آیه‌ای که در آن تسبیح بود می‌رسید، تسبیح می‌گفت و اگر درخواستی بود درخواست می‌کرد، و اگر جایگاه پناه‌خواستن بود از خدا پناه می‌خواست»([[29]](#footnote-29)).

(6) همچنین نقل شده است که در نماز شب به هنگام رکوع «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ» را می‌خواند، دعاهای دیگری نیز هست که خواندن آن‌ها در همه‌ی نمازها درست و بایسته است و به قیام شب اختصاص ندارد. امام مسلم از حضرت علی بن ابی طالبس روایت می‌کند: «هرگاه آن حضرت برای نماز برمی‌خاست، چنین دعا می‌خواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ([[30]](#footnote-30))، إِنَّ صَلاتِي وَنُسُكِي، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ([[31]](#footnote-31))، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ وَاهْدِنِي لأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ لاَ يَهْدِي لأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»([[32]](#footnote-32)).

«رو به سوی کسی می‌کنم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و من [از هر راهی جز راه او] دورم و از زمره‌ی مشرکان نیستم... نماز و عبادت و زندگی و مرگ من از آن خداست که پروردگار جهانیان است. خدا هیچ شریکی ندارد و به همین دستور داده شدم ام و من اولین مسلمانم [در میان امت خود، و برای خدا مخلص‌ترین فرد در میان همه‌ی انسان‌ها]. پروردگارا! تو فرمانروا و حاکم همه چیزی، هیچ اله و معبودی [راستین] جز تو نیست. تو پروردگار منی و من بنده‌ی ناچیز تو هستم. بر خود ستم کردم و [اکنون در پیشگاه تو] به گناهان خود اعتراف می‌کنم. پس تمامی گناهانم را بیامرز! چون کسی غیر از تو نمی‌تواند این کار را بکند. مرا به اخلاق نیک و پسندیده راهنمایی کن، چون احدی جز تو نمی‌تواند چنین کند و اخلاق زشت و ناپسند را از من دور گردان، زیرا کسی جز تو یارای چنین کاری را ندارد. مشتاقانه گوش به فرمان تو ام. همه خیر و خوبی‌ها در دست توست، ولی شر و بدی را به تو راهی نیست. من بنده‌ی تو هستم و پیش تو برمی‌گردم، پاک و بزرگوار و بلندمرتبه‌ای، از تو تقاضای آمرزش گناهانم را داردم و به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم».

(2) و چون به رکوع می‌رفت، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِى وَبَصَرِي وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِي».

«پررودگارا! برای تو رکوع کردم، به تو ایمان دارم و با تمام وجود تسلیم اوامر تو شدم، گوش و چشم و مخ و استخوان و تمام رگ‌هایم در برابر تو خاشع و فرمانبردارند».

(3) و هرگاه از رکوع برمی‌خاست می‌خواند: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَوَاتِ وَمِلْءَ الأَرْضِ وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».

«پروردگارا! به اندازه‌ی پُری آسمان‌ها و زمین و پُری هرآنچه میان آن‌هاست، و هرآنچه جز این‌ها می‌خواهی، سپس و ستایش باد تو را!».

(4) و هرگاه به سجده می‌رفت، این‌چنین می‌خواند: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

«پروردگارا! برای تو سجده کردم، به تو ایمان دارم و در بابر اوامر تو تسلیم و فرمانبردارم، چهره‌ام در برابر کسی به سجده افتاده که آن را خلق کرده، مصور کرده و گوش و چشم را در آن پدیده آورده است. خداوند، آن بهترین آفریدگار، بابرکت است».

(5) سپس در پایان، بین تشهد و سلام این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ».

«پروردگارا! گناهان گذشته و آینده و آنچه در نهان و آشکار کرده‌ام و تمام زیاده‌روی‌ها و آنچه را که تو بهتر از خود من به آن‌ها علم داری بیامرز، چرا که تو مقدم و مؤخری و هیچ اله و معبودی [راستین] جز تو نیست».

این مجموعه‌ای از دعاهای عمومی و مختلف است که شخص مسلمان می‌تواند هرکدام از آن‌ها را که می‌خواهد، بخواند. البته مجبور به خواندن تمام آن‌ها نیست و نیز هر دعای دیگری را که می‌پسندد و مناسب حال خود می‌داند، بخواند؛ اما بهتر آن است که از دعاهای مأثور باشد. این دعاها هم مخصوص و منحصر به قیام و نماز شب نیستند.

رسول اکرمص در باره‌ی دعاکردن تشویق و ترغیب فراوان کرده و چنین بیان فرموده است که در هر شب لحظه‌ای است که در آن دعا مقبول و مستجاب می‌شود، همچنین فرموده است: «در شب لحظه‌ای است که اگر انسان مسلمان آن را دریابد و در آن از خدا خیر دنیا و آخرت را بطلبد، بدون شک خدا خواسته‌اش را برآورده می‌کند. و این فضل در هر شب وجود دارد»([[33]](#footnote-33)). همچنین فرموده است: «پروردگار ما در ثلث آخر هر شب به آسمان فرودین نازل می‌شود، و اعلام می‌کند که کیست بخواند مرا تا اجابتش کنم، و کیست از من چیزی بخواهد تا به او ببخشم و کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرز»([[34]](#footnote-34)).

مسلمانان! این‌ها هدایا و موهبت‌های بی‌شمار و بزرگی است که از سوی پروردگار – که صاحب و مالک آن‌هاست – به سوی انسان سرازیر است. این نعمت بزرگ را هرکس از دست بدهد، بدون شک بهره‌ی بزرگی را از دست داده و خود را از نعمت‌های فراوانی محروم کرده است.

به سبب عظمت و بزرگی این موهبت الهی است که برخی از نیکان در مورد آن چنین فرموده اند: لحظات شب بی‌نهایت گرانبها است، مواظب باشید آن را به غفلت و به بهای ارزان از دست ندهید.

حقیقتاً آن انسان غافل و ضعیف الایمان است که می‌داند، این نعمت‌ها و موهبت‌ها در شب، از جانب پروردگاری که هرگز نعمت‌های او تمام‌شدنی نیست، توزیع می‌شوند، ولی باز غفلت می‌کند، و تا صبح در بستر می‌آرامد.

استفاده از مسواک

استفاده از مسواک از جمله سنت‌هایی است که پیامبر اکرمص بر انجام آن تأکید فراوان کرده است. حضرت هیچگاه مسواک را از خود جدا نمی‌کرد. می‌فرماید: «لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك عند كل صلاة»([[35]](#footnote-35)) «اگر سبب زحمت و دشواری امتم نمی‌شد، بدون تردید آنان را در وقت هر نماز، به استفاده از مسواک امر می‌کردم».

در حدیثی دیگر می‌فرماید: «السِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ»([[36]](#footnote-36)) «مسواک ابزار پاکی دهان و جلب‌کننده‌ی خشنودی پروردگار است».

به همین سبب است که آن حضرتص در هرحال از مسواک استفاده می‌کرد، حتی در نماز شب آن را فراموش نمی‌کرد.

امام بخاری از حذیفه روایت می‌کند: «آن حضرتص هرگاه برای نماز تهجد بیدار می‌شد، دندان‌هایش را مسواک می‌زد»([[37]](#footnote-37)).

اینکه مسواک ابزار بهداشت و پاکی دهان است، نزد پزشکان امری است مسلم؛ چون در مسواک موادی وجود دارد که سبب پاکی دهان و مانع از پوسیدگی و عفونت دندان‌ها می‌شود، نیز موجب تقویت و استحکام لثه‌ها می‌گردد. حتی طب جدید از عصاره‌ی شاخه‌ی درخت مسواک، خمیر دندان ساخته است. اما اینکه مسواک موجب خشنودی پروردگار می‌شود، منظور این است که چون مسلمان با پروردگارش به مناجات و نیایش می‌پردازد، و کتاب ملکوتی او را تلاوت می‌کند، و خداوند ذاتی است پاک و مقدس و منزه و جز پاکی چیز دیگری را نمی‌پسندد، همچنین فرشتگانی که در نماز حضور می‌یابند، از بو و رائحه‌ی بد اذیت می‌شوند و نیز از آنجایی که بوی بد دهان، باعث اذیت و آزار مسلمانی می‌شود که همراه آن شخص به نماز می‌ایستد، به همین سبب مسلمانان اکیداً ممنوع شده‌اند که بعد از خوردن پیاز، سیر و... به مسجد بیایند؛ بلکه لازم است بعد از تمیزکردن دهان به مسجد بروند، این از جمله زیبایی‌های اسلام است؛ زیرا اسلام هرآنچه را که موجب اصلاح انسان می‌شود به انجام و اجرای آن دستور می‌دهد و همواره انسان را بر جاده و راه راست قرار می‌دهد. مثلاً در امور مربوط به عقیده انسان را به تخلیه از شرک و خرافات و باورهای نادرست امر می‌کند و به التزام و آراسته‌شدن به توحید، یگانه‌پرستی و باور خالص و پاک از هرگونه شائبه‌ای دستور می‌دهد، نیز به پاکی و سلامتی قلب از حقه‌بازی و کینه‌توزی و خودخواهی و خودپسندی و خودنمایی و ریا و... امر می‌کند، در باره‌ی عبادت خداوند به اموری فرمان می‌دهد که هم نزد خداوند دوست‌داشتنی‌تر است و هم برای سلامتی انسان مفیدتر است.

در معاملات نیز به امانت‌داری و دقت و درستکاری و در گفتار به صداقت و راستی و نیک‌گفتاری امر کرده و از دروغ و بدگویی منع فرموده است، در باره‌ی جسم انسان به نظافت و پاکی و زیبایی و توانمندی امر کرده، و از هرآنچه باعث ضرر و زیان جسم می‌شود و در بهداشت انسان خللی وارد می‌کند، برای همیشه از آن نهی کرده است. این خود از زیبایی‌ها و حسنات اسلام است که تمام جوانب حیات بشر را درنظر گرفته و آنان را به رعایت مقررات و موازینی که موجب اصلاح جسم و روان می‌شود، رهنمون کرده است.

بهترین وقت قیام

از عشا تا طلوع فجر به طور کلی زمان نماز شب است، ولی اوقات دیگری نیز هست که احیای آن‌ها در شریعت اسلامی پسندیده است؛ مثلاً:

(1) ثلث اخر شب؛ ابوهریرهس روایت می‌کند کهص فرموده است: «خداوند سبحان در ثلث آخر هر شب به آسمان فرودین نازل می‌شود و می‌فرماید: آیا کسی هست که مرا بخواند تا دعایش را بپذیرم؟ آیا کسی هست که از من بخواهد تا به او بدهم؟ آیا کسی هست که از من برای گناهانش آمرزش بطلبد، تا گناهانش را بیامرزم؟»([[38]](#footnote-38)).

مؤمن نیز نیازمندترین مردم و سعادتمندترین انسان‌ها به این تجلی پروردگار است، بدین جهت، لازم است برای قیام و استقبال از اجابت و رحمت و غفران خداوند، با آمادگی کامل در لحظات شیرین و دلچسب آخر شب، با اصرار فراوان به دعا و نیایش بپردازد، و مصرانه برآوردن نیازهایش را از خدا بخواهد و برای گناهانش طلب آمرزش کند؛ چرا که خداوند اصرار و الحاح در دعا را بسیار می‌پسندد و علاوه برآن، فوریت اجابت آن نیز از سوی پروردگار تضمین شده است. چرا که «فاء» در فأستجیب و فأعطیه، در زبان عربی به معنای عطف و فوریت آمده است([[39]](#footnote-39)).

(2) خواب نصف شب و قیام ثلث آن و خوابیدن در بخش ششم:

(الف) پیامبر اکرمص در این مورد فرموده است: «پسندیده‌ترین نماز نزد پروردگار نماز داود و محبوبترین روزه، روزه‌ی داود است، با این کیفیت که نصف شب را می‌خوابید و ثلث دیگر را قیام می‌کرد و حصه‌ی ششم را نیز به استراحت می‌پرداخت»([[40]](#footnote-40)).

(ب) روزی از حضرت عایشهل در مورد اینکه چه عملی نزد رسول اکرمص دوست‌داشتنی‌تر بود، سؤال شد، در پاسخ فرمود: «عملی که تداوم داشته باشد». سؤال‌کننده می‌افزاید که گفتم: «پیامبرص در چه وقتی قیام می‌فرمود؟» گفت: «وقتی که صدای خروس را می‌شنید». ابن حجر از محمد بن ناصر نقل می‌کند: «به تجربه ثابت شده است که خروس وقتی که شب به نیمه برسد، بانگ برمی‌آورد».

(ج) دلیل صحت خواب حصه‌ی ششم [آخر] شب، حدیث عایشهل است که می‌فرماید: «رسول خداص هنگام سحری در حالت خواب بود»([[41]](#footnote-41)) این وضعیت جز در ماه رمضان بوده است، زیرا در رمضان هنگام سحر، سحری می‌خورد و بعد از آن به ادای نماز می‌پرداخت.

(3) قیام به اندازه‌ی توان جسمی و روحی فرد؛ ام سلمهل روایت می‌کند: «رسول اکرمص به نماز می‌ایستاد، سپس به همان اندازه به استراحت می‌پرداخت، و مجدداً به اندازه‌ای که استراحت کرده بود، به نمازگزاردن مشغول می‌شد. پس از آن به اندازه‌ای که نماز خوانده بود، می‌خوابید. این وضع تا وقتی که سپیده می‌دمید ادامه پیدا می‌کرد»([[42]](#footnote-42)).

این خود تبیین‌کننده‌ی دوستی و محبت آن حضرت با شب‌زنده‌داری است؛ حضرت قدری به استراحت می‌پرداخت، سپس جهت مناجات و نیایش با پروردگار و ارتباط با ملکوت اعلی از خواب برمی‌خاست. زیرا در شب لحظاتی بسیار شیرین و لذت‌بخش وجود دارد که انسان را با خدایش نزدیکتر می‌کند.

بله، این شیوه و حالت رهبرِ بشریت، جناب رسول اکرمص است که از روحی بزرگ و همتی والا برخوردار بود، ما هم از خداوند مسألت داریم که به ما توفیق پیروی از آن انسان بزرگ و اسوه‌ی حسنه را عنایت فرماید!

تعداد رکعات و کیفیت آن‌ها

(1) چنان‌چه ثابت شده است آن حضرتص به سؤال‌کننده‌ای در مورد کیفیت نماز شب، این‌چنین پاسخ داد که نماز شب دو دو رکعت گزارده می‌شود؛([[43]](#footnote-43)) یعنی در پایان هردو رکعت سلام دهد و دو رکعت دیگر را آغاز نماید.

(2) از عایشهل روایت شده است: «آن حضرتص هرگاه برای قیام شب بیدار می‌شد، نماز شب را با دو رکعت کوتاه و مختصر آغاز می‌کرد»([[44]](#footnote-44)).

امام نووی/ می‌گوید: «امر به دو رکعت کوتاه و مختصر در حدیث ابوهریره دلیل استحباب آن است، تا انسان برای ادای رکعت‌های بعدی، نیرو و انرژی کافی به دست آورد و با نشاط بیشتری به نماز مشغول شود»([[45]](#footnote-45)).

همچنین عایشهل روایت می‌کند: «آنص چهار رکعت نماز می‌گزارد که خوبی و زیبایی و طولانی‌بودن آن بی‌نظیر بود، سپس چهار رکعت دیگر به همان صورت می‌گزارد و بعد از آن سه رکعت می‌گزارد»([[46]](#footnote-46)).

روش‌های دیگری هم هست که -ان شاء الله- در بحث نماز وتر بدان اشاره خواهیم کرد.

از عبدالله بن عباسب روایت شده است: «نماز شب پیامبر اکرمص سیزده رکعت بود»([[47]](#footnote-47)).

از عایشهل هم روایت شده است: «پیامبر اکرمص در شب سیزده رکعت می‌گزارد، همچنین فرموده است که نماز وتر و دو رکعت سنت فجر هم، از جمله‌ی آن‌ها بود»([[48]](#footnote-48)).

امام بخاری این حدیث را بعد از حدیث دیگری که عایشهل در آن بیان می‌دارد که اکثراً نماز شب آن یازده رکعت بود، ذکر می‌کند. از این عمل ایشان چنین برداشت می‌شود که وی یازده رکعت را بر سیزده رکعت ترجیح می‌دهد و دو رکعت دیگر را همانطور که عایشهل در گفتارش تبیین می‌کند، دو رکعت سنت فجر به حساب می‌آورد، با وجود آنکه در روایت ابن عباسب به تفصیل آمده است که نماز آن حضرتص بدون دو رکعت فجر، سیزده رکعت بوده است. چیزی که تأکییدکننده‌ی این دیدگاه است که نماز شب آن حضرتص یازده رکعت بوده، حدیث دیگری است که عایشهل در آن چنین تبیین می‌کند: «زمانی که در مورد کیفیت نماز پیامبرص در ماه رمضان از ایشان سؤال شد، فرمود: «چه در ماه رمضان و چه در غیر آن، از یازده رکعت بیشتر نمی‌خواند»([[49]](#footnote-49)). تنها موردی که مرا وادار بر ترجیح این گفتار بر غیر آن می‌کند، این است که عایشهل داناترین فرد به احوال حضرتص در خانه می‌باشد، به خصوص در مورد نمازهای شب که در خانه صورت گرفته است.

به همین سبب روایت عایشهل از روایت کسانی دیگر، امثال ابن عباسب، از صحت و قوت بیشتری برخوردار است؛ چرا که ابن عباسب توانسته حد اکثر چند بار نمازهای شب ایشان را مشاهده کند، ولی عایشهل همیشه در خانه بوده و از حالت آن حضرت آگاهی و شناخت بیشتری داشته است.

گذشته از این، امام بخاری/ می‌فرماید: «آن حضرتص جهت بیدارکردن ابن عباسب گوش او را ماساژ می‌داد، تا از خواب بیدار شود». لذا روایت عایشهل در مورد نماز شب، بر روایات ابن عباسب و دیگران اولویت بیشتری دارد».

ابن قیم/ در این باره می‌گوید: «هرچند ابن عباسب و حضرت عایشهل در مورد قیام آن حضرت اختلاف نظر داشته‌اند، ولی قول حضرت عایشه در این باره ارجح و پسندیده‌تر است»([[50]](#footnote-50)).

آنچه گفته آمد، در مورد بیشترین تعداد رکعات نماز شب پیامبر بود و حداقل آن هم هفت رکعت است. امام بخاری/ از عایشهل روایت می‌کند: «وی در پاسخ سؤال‌کننده‌ای فرمود: نماز آن حضرت در شب، هفت و یا نه و یا یازده رکعت بود»([[51]](#footnote-51)). به هرحال در این مسئله وسعت و گنجایش است و رحمت بی‌کران خداوند هم پاداش احدی را ضایع نمی‌کند، و تنها چیزی که اهمیت دارد، همین والاست.

نماز وتر و چگونگی گزاردن آن

1. یک رکعتی؛ آن حضرتص می‌فرماید: «نماز شب دو دو رکعت است، اگر بیم فرارسیدن صبح را داشتی یک رکعت وتر بخوان»([[52]](#footnote-52)).
2. سه رکعتی؛ همچنان که عایشهل می‌فرماید: «سپس سه رکعت می‌گزارد».
3. همچنین ثابت شده است که آن حضرتص پنج رکعت می‌گزارد و در آخر آن برای تشهد می‌نشست.
4. هفت رکعت می‌گزارد و در رکعت ششم برای تشهد اول و در رکعت هفتم برای تشهد دوم می‌نشست و سپس سلام می‌داد.
5. همچنین ثابت شده که نه رکعت می‌گزارد و در رکعت هشتم برای تشهد اول و در رکعت نهم برای تشهد دوم می‌نشست و با صدای نسبتاً بلند سلام می‌گفت، به گونه‌ای که اهل خانه صدای مبارک ایشان را می‌شنیدند، عادت حضرتص بر این منوال بود که بعد از هفت رکعت و یا نه رکعت، دو رکعت دیگر هم می‌گزارد. ابن حجر می‌گوید: «نمی‌دانم که این دو رکعت سنت فجر است یا چیزی دیگر».

کلیه صورت‌های یادشده جایز و درست‌اند، چون از افعال آن حضرتص ثابت شده‌اند، البته قول را بر فعل ترجیح می‌دهند. یعنی دو دو رکعت را ترجیح می‌دهند.

بنابراین، هرکس هرکدام از این شیوه‌ها و روش‌ها را برگزیند، جایز است. چون در این مورد گنجایش و وسعت هست. وظیفه‌ی ما هم این است که همانطور که آن حضرتص نماز خوانده است، نماز بخوانیم. البته برای افراد پیر و مسن و ناتوان، صورت اخیر بهتر است، چرا که آن حضرت از این روش در آخر عمرشان استفاده می‌کرد، لذا برای هر طبقه و گروه سنی، در احادیث مجال و گنجایش وجود دارد و هرکدام از احادیث با وضعیت نمازگزار تناسب دارد.

انسان مسلمان به گزاردن نماز وتر باید حساس باشد. همچنان که آن حضرت می‌فرماید: «هرکس از شما بیم دارد که نتواند برای نماز شب بیدار شود، بایسته است که قبل از خواب، نماز وتر را بگزارد، اما کسی که مطمئن است بیدار می‌شود، تأخیر وتر در حق او اولی و أفضل است، تا پایان شب او با نماز و قیام باشد»([[53]](#footnote-53)).

از جابرس روایت شده است: «از آن حضرت شنیدم که فرمود: «هرکس بیم آن دارد که نتواند در آخر شب بیدار شود، قبل از خواب نماز وتر را بخواند، و هرکس اطمینان دارد که برای نماز شب بیدار می‌شود، نماز وتر را در آخر شب بخواند، چرا که قرائت در آن زمان دارای فضیلت و رحمت است». آن حضرتص به قضای نماز وتر امر فرموده است. ابوسعید خدریس روایت می‌کند: «آن حضرتص فرمود: هرکس در ادای وتر موفق نشد و خواب رفت و یا فراموش کرد، هرگاه صبح شد، یا یادش آمد آن را باید بخواند»([[54]](#footnote-54)).

ملاحظه کردیم که آن حضرتص چقدر بر اهمیت نماز وتر تأکید می‌کند! در مورد قضای نماز وتر نیز جمع کثیری از صحابهش، تابعین رحهم الله و ائمه‌ی اربعه‌ی([[55]](#footnote-55)) اهل سنت و جماعت اتفاق نظر دارند.

تلاوت قرآن در نماز شب

رسول اللهص به تلاوت قرآن توجه ویژه‌ای داشت و به آن اهمیت خاصی می‌داد. تلاوت آن حضرت روشن و واضح و همراه با تدبر و تفکر بود. ام سلمهل کیفیت تلاوت آن حضرت را چنین بیان می‌کند: «تلاوت رسول اللهص روشن، واضح و همراه با تدبر و تفکر بود». اما در این عصر تلاوتِ برخی از مسلمانان مایه‌ی تأسف است، زیرا هدف آنان به پایان‌رساندن سوره و یا ختم قرآن مجید در آخر ماه مبارک رمضان است که این خود مخالفِ سنتِ مطهرِ رسول اللهص است. لذا کسانی که این وضعیت را مشاهده می‌کنند، باید با احتیاط و دقت فراوان مردم را از آن بازدارند، تا سنت مطهر رسول اللهص زنده شود.

غالباً این مخالفت با سنت پیامبر اسلام، در ماه مبارک رمضان تجلی می‌یابد. چون هدف بسیاری از مسلمانان ختم قرآن، آن هم با سرعتی برق‌آسا و شگفت‌آور است. به طوری که هیچیک از مقتدیان به خوبی نمی‌فهمند که امام چه تلاوت می‌کند. این عمل خود، دوری از هدف تلاوت است که باید همراه با تدبر و تفکر باشد، چون سنت آن حضرتص ترتیل قرآنکریم است تا بدین وسیله به آیه‌ی ﴿وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤﴾ [المزمل: 4]([[56]](#footnote-56)) عمل شود.

منظور از ترتیل، ادای صحیح حروف و اجرای احکام مد وقف و احکام دیگری است که مربوط به تلاوت قرآن امر کرده است، می‌فرماید: «زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ»([[57]](#footnote-57)) «با صدای خویش قرآن را آراسته و مزین کنید». نیز فرموده است: «هرکسی قرآن را با صوت [و صدای آهنگین] نخواند از ما نیست»([[58]](#footnote-58)). البته تمام تأکید و تشویق آن حضرتص بر ترتیل قرآن به سبب آن است که هدف از تلاوت، ایجاد خشوع و فروتنی و تفکر و تدبر و فراگیری است. در تلاوتِ آهسته و آرام و همراه با زیبایی صوت، احساسات تحریک و قلب بیدار می‌شود و انسان در عالم معنوی و روحانی فرو می‌رود.

پیامبر**ص** و طول‌دادن نماز

حضرت حذیفهس می‌فرماید: شبی با پیامبر به نماز ایستادم، ایشان سوره‌ی بقره را آغاز کردند، فکر کردم که در پایان سوره رکوع می‌کنند، اما پس از اتمام آن سوره‌ی نساء را آغاز کردند و سپس آل عمران را نیز بدان افزودند، تلاوت آن حضرت آهسته و آرام بود([[59]](#footnote-59)).

تلاوت کوتاه و مختصر رسول اللهص بدینگونه است که ابن عباسب می‌گوید: «قیام آن حضرت را تخمین زدم؛ در هر رکعتی به اندازه‌ی سوره‌ی ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ١﴾ [المزمل:1]([[60]](#footnote-60)) تلاوت می‌کردند»([[61]](#footnote-61)). گاهی هم با یک آیه قیام می‌کرد، چنان‌که عایشهل روایت می‌کند: «شبی رسول اللهص با تلاوت یک آیه قیام کرد»([[62]](#footnote-62)). ابوذرس می‌فرماید: «آن یک آیه این است: ﴿إِن تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١١٨﴾ [المائدة: 118]([[63]](#footnote-63)).

همچنین رسول اللهص به کسی که به صورت انفرادی نماز می‌گزارد، اجازه داده که هراندازه می‌تواند نماز خودش را طولانی کند، در این باره فرموده است: «چنان‌چه کسی از شما امام جماعت بود، لازم است نماز را کوتاه و سبک بگزارد، ولی اگر تنها بود تا جایی که می‌خواهد نماز را طولانی کند».

طولانی‌کردن نماز هم به نشاط و توان فرد بستگی دارد، یعنی اگر خسته است به استراحت بپردازد و بعد از استراحت نماز را با هوشیاری و نشاط کامل ادا کند، و هرگاه خسته شد به استراحت بپردازد، چنان‌که در حدیث آمده است: «هرکدام از شما تا وقتی که سرحال و شاداب است، نماز بگزارد و چون کسل و خسته شد، بنشیند و به استراحت بپردزاد»([[64]](#footnote-64)). همچنین سفارش آن حضرت به صحابه‌ی کرامش میانه‌روی و اعدال در عبادت است و همواره آنان را از افراط و زیاده‌روی در عبادت برحذر داشته است. چنان‌که از عبدالله بن عمرو بن العاصب سؤال می‌فرماید: «آیا این درست است که شما شب را قیام می‌کنید و روز را روزه می‌گیرید؟ [عبدالله می‌گوید:] گفتم: آری، فرمود: اگر این وضع را ادامه دهی چشمانت ضعیف و جسمت خسته و ناتوان می‌شود، و بدان که نفس و اهل و خانواده‌ات نیز بر تو حقی دارند و باید چنان عمل کنی که [گاهی] روزه بگیر و [گاهی] افطار کن و [گاهی] قیام کن و [گاهی] هم بخواب و به استراحت بپرداز»([[65]](#footnote-65)).

در این کلام رسو اللهص که می‌فرماید: روزه بگیر و افطار کن و... به وضوح میانه‌روی و اعتدال در عبادت و تمام کارها مشاهده می‌شود، این است اخلاق و شیوه‌ی رسول اکرمص که نباید در عبادت زیاده‌روی و افراط صورت پذیرد؛ چون باعث کوتاهی در حقوق و تکالیفی می‌شود که از قیام و شب زنده‌داری مهم‌تر اند. نیز نباید در آن تفریط و سهل‌انگاری صورت گیرد؛ چون موجبِ قساوتِ قلب و دوری از خدا و محروم‌ماندن از غذایی می‌شود که دربردارنده‌ی حیات معنوی، روحی و ایمانی انسان است، بلکه در تمام کارها باید اعتدال و میانه‌روی رعایت شود.

همکاری زن و شوهر و نزدیکان در نماز شب

اسلام به ایجاد خانه‌ی مسلمان، قبل از تأسیس و پایه‌گذاری آن توجه خاصی کرده و دستور داده است که خانواده بر پایه‌ی ایمان و تقوا استوار شود. باری پیامبر اکرمص به کسی که خواهان ازدواج بود، چنین توصیه کرد: زنی را به همسری انتخاب کند که اهل ایمان باشد. «فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرِبَتْ يَدَاك»([[66]](#footnote-66)) «اهل دین را به چنگ آر، تا مایه‌ی سعادتمندی‌ات شود». این است توجیه و سفاش پیامبر اسلام جهت پایه‌گذاری خانواده‌ی اسلامی براساس ایمان و تقوا، تا زن و مرد در فضای آن یکدیگر را بر طاعت و بندگی پروردگار کمک کنند و بدین ترتیب مصداق این آیه قرار گیرند: ﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٧١﴾ [التوبة:71]([[67]](#footnote-67)). این صفاتِ برازنده و زیبا، بین عموم مسلمانان مشترک‌اند، ولی بین زن و شوهر اشتراک ویژه‌ای دارند، آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، همکاری و همیاری زن و شوهر در شب‌زنده‌داری است، چرا که آن حضرتص زن و شوهر را به همراهی و همیاری در قیام و نماز شب ترغیب و تشویق کرده است. چنان‌که می‌فرماید: «هرکسی پاسی از شب بیدار شود و همسرش خویش را نیز جهت شب‌زنده‌داری بیدار کند از زمره‌ی کسانی محسوب خواهد شد که خدا را فراوان ذکر می‌کنند»([[68]](#footnote-68)).

در حدیثی دیگر، چنین آمده است: «خدا مردی را مورد لطف و رحمت خویش قرار دهد که شب برای نماز بیدار شود، همسرش را نیز برای نمازگزاردن بیدار کند و اگر بیدار نشد مقداری آب بر چهره‌ی او بپاشد. نیز خداوند زنی را مورد لطف و رحمت خویش قرار دهد که شب بیدار شود و به نمازگزاردن بپردازد و شوهر خویش را نیز برای نمازگزاردن بیدار کند و اگر بیدار نشد، بر چهره‌ی او آب بپاشد»([[69]](#footnote-69)).

ناگفته نماند که نباید بیدارکردن با سر و صدا و خشونت صورت پذیرد، بلکه باید با کمال عطوفت و نرمی و بدون ناسزاگفتن، انجام شود. چرا که خشونت و هیاهو باعث نفرت، ناراحتی و کدورت می‌شود. آب پاشیدن هم باید با نرمی و محبت صورت پذیرد.

یک لحظه به خانه‌ای که در آن دو زوج مسلمان همکار و هماهنگ در طاعت و فرمانبری خداوند سبحان به زندگی مشترک ادامه می‌دهند، بیندیشید. در این خانه پرتو ایمان می‌درخشد، چون نهال آن پاک و میوه‌ی آن نیز لذیذ و گواراست و پاداش آن نیز بدون تردید، بهشتِ جاویدان خداوند خواهد بود که به پارسایان و متقیان وعده داده شده است. لذا بایسته است به جانب غفران و بخشش و بهشت خداوندی بشتابیم تا وعده‌ی الهی تحقق پذیرد. اگر خواهان بازگشت و تجدید حیات اسلامی هستیم، بایستی از این نوع خانه‌ها که جوانان پاک و پارسا در آن به زندگی مشترک ادامه دهند، بیشتر ایجاد کنیم.

اجازه‌گرفتن زن از شوهر برای قیام

سنت است که زن برای قیام و شب‌زنده‌داری از شوهر خویش اجازه بگیرد. این مطلب از ابن عباس از آن حضرت چنین روایت می‌کند: «زن نباید بدون اجازه‌ی شوهر کسی را به خانه راه دهد، نیز نباید بدون اجازه‌ی او شب برای انجام مستحبات و احیای شب قیام کند»([[70]](#footnote-70)).

این است روش و رهنمود متعالی اسلام که به زن می‌آموزد، حال شوهر خود را هم مد نظر داشته باشد. علاوه برآن، این حدیث مرد را تشویق می‌کند تا به نماز شب روی بیاورد، و بر این اساس زمان خواب خود را تنظیم کند؛ همسرش را نیز به شب‌زنده‌داری و نماز شب تشویق کند و مراقب عبادت‌هایش باشد، تا مبادا هم خود او از این عمل بسیار پسندیده غفلت ورزد و هم مانع شب‌زنده‌داری همسرش شود.

اگر شوهر انسانی نیک و صالح باشد، از این خواسته‌ی زن خوشحال خواهد شد، و بدون چون و چرا با آن موافقت خواهد کرد، و این امر را برای خود مایه‌ی سعادت و افتخار خواهد دانست. چرا که برای مردان صالح چنین امری طبیعی است، حتی به زن خواهد گفت که او را هم برای نماز بیدار کند و اگر سستی به خرج داد بر صورت او آب بپاشد. بدین صورت تعارض ظاهری بین دو حدیث مرتفع می‌شود، به طوری که زن هم با اجازه‌ی شوهر بیدار شده و هم او را بیدار کرده است و بدین وسیله مطابق سنت پیامبرص عمل کرده است.

همچنین برای فرد مسلمان سنت است که هرکسی از خویشاوندان و برادران نزد او بود، به خاطر فضیلت نماز شب و شب‌زنده‌داری او را بیدار کند. عبدالله بن عباسب می‌فرماید: «شبی نزد پیامبر بودم که مرا برای نماز بیدار کرد. پیامبر مرا تکان داد من هم بیدار شدم»([[71]](#footnote-71)).

شبی آن حضرتص به خانه‌ی علی و فاطمهب تشریف برد و به آنان چنین خطاب نمود: آیا نماز نمی‌خوانید؟ علیس در ادامه می‌گوید: در پاسخ آن حضرت گفتم: جان ما در دست خداوند است، هرگاه بخواهد ما را برمی‌انگیزد. چون این را گفتم، آن حضرت برگشت و چیزی نگفت، ولی اندکی بعد شنیدم در حالی که با دست بر ران خود می‌زد، چنین می‌فرمود: ﴿وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَكۡثَرَ شَيۡءٖ جَدَلٗا ٥٤﴾ [الکهف: 54]([[72]](#footnote-72)).

البته ایرادی ندارد که در یک شب بیش از یک بار افراد را برای نماز بیدار کند. علیس می‌فرماید: «آن حضرتص شب هنگام نزد من و فاطمه آمد و ما را برای نماز بیدار کرد و سپس به خانه برگشت و مدتی به نماز مشغول شد و چون احساس کرد که بیدار نشده‌ایم دوباره آمد و ما را بیدار کرد»([[73]](#footnote-73)).

البته کسی که خواب است، باید این اقدام را با آغوش باز بپذیرد و برای کسی که او را جهت قیام بیدار کرده، دعای خیر کند. نباید ناراحت شود و سر و صدا و هیاهو به راه اندازد و او را مورد ضرب و شتم قرار دهد. ولی متأسفانه امروزه تا حدی مسئله برعکس شده است، به عبارت دیگر نوافل به جای خود، اگر شخصی را برای ادای نمازهای فرض بیدار کنند، ناراحت می‌شود و احیاناً الفاظ رکیکی هم به کار می‌برد. حال اگر کسی او را برای انجام نوافل از خواب بیدار کند، خدا می‌داند که برخورد وی چگون خواهد بود؟! بار الها! رحمت و لطف تو را مسألت داریم!

شب‌زنده‌داری و جلوگیری انسان از ارتکاب گناه

در زمانی زندگی می‌کنیم که فساد همه جا را دربر گرفته است، حتی آثارش در فضا پدیدار و گسترده شده است. البته این بلا هم از دستاوردهای خود بشر است. انتشار و کثرت فساد به مراتب بیشتر از حالت‌های عادی انسان را به معصیت و لجن می‌کشاند، چرا که هرگاه فساد فراگیر شود انسان را در محاصره‌ی گناهان قرار می‌دهد و او را وادار می‌کند که دنبال راه چاره و روزانه‌ای برای نجات خود از معاصی بگردد، تا بتواند او را در این موقعیت خطرناک کمک کند. رسول اکرمص این مطلب را تبیین کرده است: «نماز شب و شب‌زنده‌داری بهترین کمک و یاور انسان برای ترک گناه است». لذا اگر انسان خواهان آزادی خود از قید گناهان است باید به مدرسه‌ی انسان‌سازِ شب پناه برد و جهت پاکی و صیقل خویش دمی در خلوت، با یار همدم و هم مجلس شود. ابوهریرهس از آن حضرتص روایت می‌کند: «در محضر ایشان از کسی چنین یاد شد که در شب به نماز می‌پردازد، ولی در روز دست به سرقت و دزدی می‌زند، در پاسخ فرمود: به زودی این عمل خوب او را از آنچه مرتکب می‌شود بازخواهد داشت»([[74]](#footnote-74)). واین هم تفسیر این آیه است که خداوند در کلام ملکتوی خویش بیان می‌دارد: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾ [العنکبوت:45]([[75]](#footnote-75)).

واقعاً عبادت و شب‌زنده‌داری عملی شگفت‌آور است که انسان در دل شب و در خلوت به نمازخواندن و تلاوت مشغول می‌شود. خدایا! چگونه این نماز و ذکر و تلاوت و دعا صاحبش را از ارتکاب گناه و بدی باز می‌دارد و او را از آلودگی‌ها پیراسته و پاک می‌کند؟ پرواضح است، کسی که در تاریکی‌های شب از بستر خویش برمی‌خیزد و متوجه ذات باری تعالی می‌شود و خالصانه به پیشگاه آن ذات مقدس به دعا و نیایش می‌پردازد، خود نشان‌دهنده‌ی صداقت و اخلاص آن انسان است که در آن لحظه، به جز خداوند -که عالم الغیب است- کسی از این کار او، اطلاعی ندارد.

گذشته از این، استمرار و مداومت بر شب‌زنده‌داری حسن مراقبت را در انسان کم کم تقویت می‌کند. این امر نیز انسان را بر تفکر و اندیشه در مورد کم کاری‌هایش یاری می‌کند و او را به محاسبه‌ی نفس وامی‌دارد تا از خواب غفلت بیدار شود و خود را از آلودگی‌ها و موانعی که موجب ناخشنودی پروردگار می‌شود، نجات دهد، و چنان احساس و انگیزه‌ای در او به وجود می‌آورد که از ارتکاب گناه و معصیت دست می‌کشد و با خود می‌گوید: چگونه دزدی کنم، حال آنکه خدایی که با او خلوت می‌کنم از این کارم آگاه است، لذا از خداوند پوزش می‌خواهم و به سوی او بازمی‌گردم و از این پس هرگز دنبال عمل خلاف نمی‌روم، و بدین صورت با همه‌ی گناهان خداحافظی خواهد کرد.

تأثیر نماز تهجد و شب‌زنده‌داری در صحت و سلامتی

ابوهریرهس از پیامبر اکرمص روایت می‌کند: «وقتی که می‌خوابید، شیطان بالای سر شما می‌ایستد و برآن سه گره می‌زند و هر گرهی که می‌زند چنین می‌گوید: بخواب که شب دراز است. اگر شخص بیدار شود و به یاد و ذکر خدا مشغول شود، آن گره باز خواهد شد و اگر وضو بگیرد و به نمازخواندن مشغول شود، بقیه‌ی گره‌ها نیز باز خواهد شد. در نتیجه با حالتی شاد و سرحال شب را به صبح می‌رساند و اگر به سخن شیطان گوش فرا دهد و بخوابد با سستی و کسالت مواجه خواهد شد»([[76]](#footnote-76)). برخی از اندیشمندان اسلامی این حدیث را بر فضیلت نماز فرض حمل کرده‌اند، ولی اکثریت آن را بر قیام و نماز شب اطلاق کرده‌اند. در حدیث دیگر آمده است: «عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَمَطْرَدَةٌ لِلدَّاءِ عَنِ الْجَسَدِ»([[77]](#footnote-77)) «نماز شب را بر خود لازم گیرید، زیرا نماز شب شیوه‌ی نیکان پیش از شما است، و نیز بیماری را از جسم‌تان می‌زداید».

در این حدیث دو نکته‌ی مهم نهفته است. نخست اینکه شب‌زنده‌داری بیشتر می‌تواند حسن رابطه با خدا را بیفزاید و حیات معنوی را تقویت کند. نکته‌ی دیگری که در آن نهفته است، اینکه در روح و روان نشاط و شادابی می‌آفریند، به طوری که هرگاه به انجام کاری اقدام کند آن را با نشاط و شادابی، خوب و محکم انجام خواهد داد. ولی کسانی که به قیام و شب‌زنده‌داری توجه نمی‌کنند، بدون شک در انجام کارهای‌شان کسل و سست هستند و هرگز نمی‌توانند کارهای‌شان را با جدیت و استحکام انجام دهند. این نکته نیز به تجربه ثابت شده است، اگر باور ندارید امتحان کنید تا تأثیر آن را عملاً و عیناً ببینید. من خودم شخصاً آن را تجربه کرده‌ام، شاید کسانی به تجربه‌ی من قانع نشوند، و بگویند: کسی که شب‌زنده‌داری می‌کند بدون تردید در آن روز بیشتر خسته و بی‌حال و در انجام کارهایش ناتوان خواهد بود. در پاسخ می‌گویم، این سخن از من نیست، بلکه سخن جناب رسول اکرمص است؛ کسی که کلام وی هرگز بیهوده نبوده و نیست، چرا که ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3 - 4]([[78]](#footnote-78)) کلام آن حضرت از وحی نشأت گرفته است و هرگز از هوای نفس سخن نمی‌گوید. آفریدگار انسان خداوند است، و آن ذات مقدس بهتر می‌داند که چه چیزی به صلاح انسان است، همچنین جناب رسول اکرمص کم می‌خوابید و در عوض بیشتر فعالیت می‌کرد و همواره تندرست و سر حال و نیرومند بود. چنان‌که علیس می‌فرماید: «إِذَا أحمَرَّ الوَطِيسُ إحْتَمَيْنَا بِرَسُول اللّهِص»([[79]](#footnote-79)) «هرگاه آتش جنگ به اوج خود می‌رسید، ما به رسول الله پناه می‌بردیم». آن هم در دشوارترین موقعیت و در قلب معرکه. صحت این کلام زمانی روشن خواهد شد که مروری بر زندگی پیشوایان دینی داشته باشیم. نزدیکترین نمونه در عصر ما، بنیانگذار بزرگترین جنبش اسلامی، حسن البنا/ است. آنگونه که شاگردان او نقل می‌کنند در شبانه روز بیشتر از چهار ساعت نمی‌خوابید، با این حال شعله‌ای از جنبش و تحرک و نشاط بود.

همچنین پزشکان ثابت کرده‌اند که خواب اندک انسان را کفایت می‌کند، چرا که خواب زیاد، خواب بیشتری به دنبال خواهد داشت، و در انسان ایجاد کسالت و سستی خواهد کرد. و این امر از نظر علمی و عملی ثابت و تجربه شده است.

نکته‌ی دوم اینکه شب‌زنده‌داری بیماری را از تن انسان می‌زداید. این خود از اسباب پیشگیری است، زیرا پزشکان بر این باورند که خواب زیاد باعث سکته‌ی قلبی می‌شود. نظر برخی از پزشکان را در مورد اینکه انسان چند ساعت به خواب نیاز دارد، جویا شدم، در پاسخ گفتند: خواب مدت زمان مشخصی ندارد، هرگاه انسان احساس خستگی کرد، استراحت کند، چه بسا دو ساعت و یا چهار ساعت کافی باشد، مگر زمانی که خستگی ناشی از انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا و یا به دلیل بیماری باشد که در آن صورت تا زمانی که خستگی برطرف نشده و بیماری از جسم بیرون نرفته، استراحت و خواب زیاد اشکال ندارد.

تخفیف برای سالمندان، بیماران و خستگان

جناب رسول اکرمص به تلاوت قرآن در شب و شب‌زنده‌داری بسیار تأکید می‌کرد و هیچگاه خودش این عمل پسندیده را ترک نمی‌کرد، و اگر بنابر عذری نمی‌توانست آن را انجام دهد، بعداً قضای آن را به جای می‌آورد،([[80]](#footnote-80)) به طوری که تا آخر عمر این عمل پسندیده را ادامه داد. عایشهل می‌گوید: «رَأَيْتُ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- يَقْرَأُ فِي شَيْءٍ مِنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ جَالِسًا، حَتَّى إِذَا كَبِرَ قَرَأَ جَالِسًا، فَإِذَا بَقِيَ عَلَيْهِ مِنَ السُّورَةِ ثَلاَثُونَ أَوْ أَرْبَعُونَ آيَةً قَامَ فَقَرَأَهُنَّ ثُمَّ رَكَعَ»([[81]](#footnote-81)) «آنحضرت را هیچ وقت ندیدم که مقداری از نماز شب را نشسته بخواند، مگر زمانی که به سن کهولت رسید. آن وقت نشسته می‌خواند، و چون سی یا چهل آیه باقی می‌ماند بلند می‌شد و آن‌ها را در حال ایستاده می‌خواند و بعد از آن رکوع می‌کرد».

همچنین در مورد نماز شب آن حضرتص از حضرت عایشه سؤال شد، وی در پاسخ گفت: «هفت رکعت، نه رکعت و یازده رکعت، جز از دو رکعت سنت صبح، می‌خواند»([[82]](#footnote-82)).

نیز می‌افزاید: «آن حضرتص در حالی از دنیا رحمت نمود که نه رکعت نماز شب می‌گزارد». بنابراین، برای شخصِ خسته و پیر و بیمار جایز است که از تعداد رکعات نمازهای مستحب خود بکاهد؛ همچنین جایز است که نماز را نشسته بگزارد، و سپس بلند شود و قبل از رکوع هر مقدار از قرآن را که برایش میسر بود تلاوت کند. هرچند می‌تواند نمازش را در حال نشسته با رکوع و سجده بدون آنکه بایستد به اتمام برساند.

پدر و مادرم فدایت باید ای رحمة للعالمین! با وجود آنکه پیر و ناتوان بودید هنوز بر شب‌زنده‌داری مواظبت می‌کردید، اما ما با وجود آنکه هنوز در عنفوان جوانی و در اوج توانمندی هستیم، اگر برای سه رکعت بعد از عشا بلند شویم، بی‌نهایت احساس ضعف و سستی می‌کنیم و آن قدر سنگینی و کسالت از خود نشان می‌دهیم که نزدیک است مصداق آیه‌ی ذیل قرار گیریم که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ﴾ [النساء: 124]([[83]](#footnote-83)).

پناه بر خدا! آری، این وضعیت برای انجام فرایض است که متأسفانه در بسیاری از حالات در ما وجود دارد، به خصوص نماز صبح که غالباً یا آن را در وقت خودش همراه با جماعت نمی‌خوانیم، اگر هم بخوانیم، خضوع و فروتنی در آن وجود ندارد. مانند خروسی که با عجله و شتاب با نوکش از زمین دانه می‌چیند، چون تمام شد، انگار بار بسیار بزرگ و سنگینی را از دوش خود برداشته‌ایم.

برای گریز از شب‌زنده‌داری بسیار از مردم عذرهای گوناگون عرضه می‌کنند، از جمله اینکه به سبب انجام پاره‌ی از کارها و یا به سبب اشتغال به امر تدریس و غیره... خسته‌اند. و لیستی عریض و طویل از کارهایشان را ارائه می‌کنند، اینان در حقیقت با خودشان روراست نیستند، و خودشان را گول می‌زنند، چرا که همان فرد را چند لحظه‌ی دیگر مشاهده می‌کنید که مشغول تماشای تلویزیون و یا سرگرم شوخی و سخنان بیهوده و غیبت و تهمت و انواع و اقسام منکرات دیگر... است و با این کارها تا پاسی از شب بیدار می‌ماند، بدون آنکه احساس خستگی کند. چون صبحت از نماز می‌شود به بهانه‌تراشی می‌پردازد و هنگام خواب یک رکعت می‌گزارد و سپس به سراغ رختخواب می‌رود، اگر تلویزیون فیلم خوب و دیدنی داشته باشد در آن صورت نماز را پیش از آن به جای می‌آورد، تا فکرش را مشغول نکند و بتواند فلم را خوب تماشا کند و از آن لذت ببرد. مسلمانان! شما را به خدا سوگند می‌دهم مواظب اوقات و لحظه‌هایی عمرتان باشید و برای انجام کارهای خیر، امروز و فردا نکنید و آن‌ها را هدر ندهید و بدانید که شیطان همواره در صدد گمراه و منحرف‌کردن شماست و اگر به وسوسه‌های آن گوش فرا دهید، شما را مسخره و استهزا می‌گیرد. این سستی و تنبلی به فضل و لطف الهی زایل خواهد شد، به شرطی که به نماز روی آوریم و به پیشگاه پروردگار بایستیم و آیات الهی را با تفکر و تدبر زمزمه کنیم، آن وقت است که باران رحمت الهی به سوی ما سرازیر می‌شود، و در درون احساس قرب و نزدیکی با خدا ایجاد می‌گردد، و غرق در عالم معنوی و روحانی خواهیم شد، و شب‌زنده‌داری برای ما بسیار محبوب و لذتبخش خواهد شد.

مسلمانان! باید غبار خواب و کسالت را از وجودتان بزدایید و از رسول اللهص که حقاً بهترین اسوه و الگوی مؤمنان است، پیروی کنید و از هیچ چیزی نهراسید که -ان شاء الله- سستی و تنبلی با اقدام به شب‌زنده‌داری و دعا و نیایش در شب، از بین خواهد رفت و در عوض تندرستی و شادابی نصیب شما خواهد شد. ای کاش فکر می‌کردیم که چه چیزی سبب شده بود که رسول اللهص با وجود کهولت سن و بیماری، بازهم شب‌زنده‌داری کند. بی شک در آن راز بسیار بزرگی نهفته است که عبارت است از قرب و نزدیکی با پروردگار و انس‌گرفتن با محبوب و معبود خویش. آن لحظات خوشترین و سعادت‌آورترین لحظاتِ انسان است و این همان سرّی است که عمر بن الخطابس آن را دریافته بود، چنان‌که می‌فرماید: «سه چیز هستند که بدون آن‌ها ماندن در این دنیا را هرگز نمی‌پسندیدم؛ یکی از آن‌ها شکافتن دل شب و دست و پنجه نرم‌کردن با تاریکی‌های آن است». لذا سعادتمند کسی است که از این موهبت الهی و از این لذت، محروم نماند و از آن غفلت نورزد، منظور از این سخنان، ترویج سختگیری و فشار نیست، بلکه هدف این است که انسان وسوسه‌های شیطان را از خود دور کند و هراندازه که می‌تواند به شب زنده‌داری بپردازد. چنان‌که پیامبر اسلامص می‌فرماید: «لِيُصَلِّ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيَقْعُدْ»([[84]](#footnote-84)) «هرکدام از شما تا وقتی که نشاط دارد نماز بگزارد، و چون احساس ضعف و خستگی کرد از نمازگزاردن دست بکشد و استراحت کند».

همچنین از طریق بعضی از روایات ثابت شده است که آن حضرت هنگام بیماری یک شب و یا دو شب قیام اللیل نفرموده([[85]](#footnote-85)). (والله أعلم)

حکم کسی که از نمازهای تهجد غفلت ورزیده و خوابیده است

در حدیث نبوی شریف چنین آمده است: «مَا مِنِ امْرِيءٍ تَكُونُ لَهُ صَلاَةٌ بِلَيْلٍ فَغُلِبَ عَلَيْهِ نَوْمٌ إِلاَّ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ صَلاَتِهِ، وَكَانَ نَوْمُهُ صَدَقَةً»([[86]](#footnote-86)) «هرکسی که به نماز شب پایبند باشد و [در شبی از شب‌ها] خواب بر او چیره شد، پاداش و اجر آن نماز برای او نوشته می‌شود خوابش صدقه به شمار می‌رود».

این حدیث در حقیقت نشان‌دهنده‌ی عظمت و اهمیت نیت خالصانه است، نیز این بخش از حدیث که می‌فرماید: «تَكُونُ لَهُ صَلاَةٌ» بیانگر این است که این حکم در حق کسی است که در گزاردنِ نمازِ شب و انجام شب‌زنده‌داری همیشه مواظبت کند و اگر بنا به خستگی و یا بیماری از انجام آن ناتوان شد و خواب بر او چیره شد، ثواب و پاداش آن برای او منظور خواهد شد، نیز از سوی خداوند خواب او به عنوان صدقه ثبت خواهد شد.

البته با وجود این همه فضل، بازهم قضای آن مستحب است، آن حضرتص می‌فرماید: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلاَةِ الْفَجْرِ وَصَلاَةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ»([[87]](#footnote-87)) «هرکسی از گزاردنِ تمامِ وظیفه یا بخشی از آن به خواب رود، قضای آن را بین نماز صبح و نماز ظهر به جای آورد؛ اگر چنین کند انگار که آن را در شب گزارده است».

در این حدیث پیامبر اکرمص بر قضای نماز شب تشویق کرده است، نیز در آن اشاره‌ی زیبایی نهفته است که عبارت از اراده بر قیام و شب‌زنده‌داری است. چون انسان باید بداند که اگر نتوانست آن را بخواند، باید قضای آن را به جای آورد، پس یقیناً از انجام آن کوتاهی و غفلت نخواهد کرد و انجام آن برای او پسندیده و محبوب خواهد بود، همچنین با این اقدام خود شیطان را مغلوب خواهد کرد، چرا که او همیشه در کمین نشسته و علیه انسان توطئه چینی می‌کند و می‌کوشد تا انسان را از انجام کارهای خوب و پسندیده منصرف کند؛ چون می‌داند که اگر انسان به خواب رود و خداوند هم به محض نیت خالصانه و صادقانه به او پاداش و ثواب عنایت کند، و خواب نیز برای او به عنوان صدقه ثبت می‌شود، و گذشته از آن می‌توان قضای نماز شب را بین نماز فجر و نماز ظهر به جای آورد و پاداش و ثواب دیگری هم دریافت کند، در این صورت شیطان هم دوست دارد که انسان نماز را در وقت خودش بگزارد، تا پاداش و ثوابش مضاعف و دوچندان نشود.

کسانی که به نماز شب عادت دارند و به انجام آن پایبند می‌باشند، لازم است که اگر آن را در وقت خودش انجام ندادند، قضای آن را در روز بجای آورند و همانگونه که از این حدیث برمی‌آید، باید دوازده رکعت به عنوان نماز قضا بگزارند: «كَانَ نَبِيُّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِذَا صَلَّى صَلاَةً أَحَبَّ أَنْ يُدَاوِمَ عَلَيْهَا وَكَانَ إِذَا غَلَبَهُ نَوْمٌ أَوْ وَجَعٌ عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ صَلَّى مِنَ النَّهَارِ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً»([[88]](#footnote-88)) «عادت آن حضرتص بر این بود که هرگاه نمازی می‌گزاردند دوست داشتند برآن مداومت کنند و چون خواب برایشان چیره می‌شد و یا به علت بیماری می‌توانستند به قیام شب بپردازند، در روز دوازده رکعت می‌گزاردند».

مسلمانان! این است برخورد سرور دو جهان با نماز شب، چه الگوی زیبا و چه پیشوای با عظمتی! کسی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را بخشیده است، بازهم دوست ندارد از این فضیلت بزرگ بی‌بهره باشد، بلکه دوست دارد که از بندگانِ شاکر و سپاس‌گزار خدا باشد. شما هم ای رهبران دعوت اسلامی! از این نعمت بزرگ غفلت نورزید و آن را به عنوان بخشی از زندگی خویش قرار دهید تا بر شیوه و سنت پیشوای خود، پیامبر اسلامص قرار گیرید. همانگونه که خداوند سبحان بیان می‌دارد: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21]([[89]](#footnote-89)).

حکم شب‌زنده‌داری

قیام اللیل و شب‌زنده‌داری در ابتدای دعوت بر پیامبر اکرمص واجب شد، و تا یک سال حکم وجوبی آن ادامه پیدا کرد. سپس از سوی خداوند تخفیف داده شد و از درجه‌ی وجوب به درجه‌ی استحباب تنزل یافت. و در این باب علما و ائمه‌ی اربعه اتفاق نظر دارند. ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: «بیشتر علما اتفاق نظر دارند که نماز شب فرض نیست»([[90]](#footnote-90)). امام نووی هم می‌گوید: «این مسئله کاملاً واضح است که نماز شب در حق جناب رسول اکرمص و امت ایشان مستحب است و در حق امت اسلام، به اجماع ثابت است که نقل محسوب می‌شود»([[91]](#footnote-91)). این مسئله را عایشهل چنین روشن می‌کند: «از ایشان در مورد قیام و شب‌زنده‌داری آن حضرتص سؤال شد، سؤال‌کننده می‌گوید: مرا از قیام رسول الله خبر بده. عایشهل فرمود: مگر سوره‌ی مُزَّمِّل([[92]](#footnote-92)) را نمی‌دانی؟ گفتم: چرا، فرمود: خداوند در ابتدای این سوره نماز شب را فرض کرد، و آن حضرتص تا یک سال برآن مداومت کرد. خداوند خاتمه‌ی آن سوره را تا دوازده ماه در آسمان نگه داشت، بعد فرو فرستاد. و در آخر این سوره از سوی پروردگار تخفیف آمده است. لذا حکم قیام و شب‌زنده‌داری از درجه‌ی وجوب به درجه‌ی استحباب رسید»([[93]](#footnote-93)).

عوامل یاریگر بر قیام شب

1. تعمق و تأمل در آیات و احادیثی که در مورد فضیلت شب‌زنده‌داری هستند، نیز شناخت درجات و ثوابی که خداوند برای شب‌زنده‌داران در نظر گرفته است، تا در قلب انسان علاقه و شوق ایجاد شود و محرکی برای نفس انسان جهت به دست‌آوردن فضیلت و ثواب بیشتر باشد.
2. تفکر در باره‌ی آخرت و صحنه‌های وحشتناک آن و تدبر در مورد آتش سوزان جهنم و گرفتاری‌های آن، بدون شک هرکسی این عمل را انجام دهد، خواب از چشمانش خواهد پرید و از خوف جهنم و گفتاری‌های روز محشر هراسان خواهد شد. طاووس/ می‌گوید: بدون تردید یاد جهنم رباینده‌ی خواب از چشم عابدان است».
3. هرکسی که دیدار و ملاقات خدا را دوست داشته باشد، خداوند هم دیدار و ملاقات او را دوست خواهد داشت و هرکسی دیدار خدا را نپسندد خداوند هم دیدار او را نمی‌پسندد، چرا که مؤمن می‌داند هرگاه در پیشگاه خداوند بایستد و مشغول تلاوت قرآن و ترتیل آیات شود، در حقیقت با خواندن هر حرفی با خدایش گفت و گو و مناجات و نیایش می‌کند. بنابراین، قیام در تاریکی‌های شب برای او پسندیده و لذتبخش خواهد بود، و از این گفت و گو و مناجات لذت می‌برد و آرامش و طمأنینه در قلبش ایجاد می‌شود، چرا که تنها ذکر خدا آرام‌بخش دل‌هاست.
4. لازم است از ارتکاب گناه در روز دوری جوید، زیرا نیکی به سوی نیکی فرا می‌خواند و بدی، بدی را فرا می‌خواند، و انجام اندی از خیر یا شر، منجر به بیشترشدن آن‌ها می‌شودا. ثوری می‌گوید: «مدت پنج ماه به سبب گناهی که مرتکب شده بودم از شب‌زنده‌داری محروم گشتم».

یک نفر به حسن بصری گفت: «ای ابوسعید، من با صحت و تندرستی کامل می‌خوابم و در ضمن دوست دارم که شب جهت قیام بیدار شوم و وسایل وضو را هم آماده می‌کنم، ولی بیدار نمی‌شوم، علت این امر چیست؟ فرمود: گناهانت تو را بسته‌اند».

1. در خوردن و آشامیدن زیاده‌روی نکند، چرا که زیاده‌روی در مصرف آن‌ها باعث کثرت خواب می‌شود و در نتیجه قیام و شب‌زنده‌داری بر او مشکل خواهد شد. از این جهت است که بعضی از بزرگان به مریدان خود چنین سفارش کرده‌اند که زیاد نخورید تا زیاد ننوشید و زیاد نخوابید، تا هنگام مرگ زیاد حسرت نخورید.
2. عدم انجام کارهای طاقت‌فرسا، زیرا این عمل خوب‌آور است.
3. عدم عشق‌ورزی به زرق و برق دنیوی، زیرا قلبی که به دنیا وابسته باشد، همیشه در فکر و اندیشه‌ی دنیاست، و از بهشت و نعمت‌های آن غافل می‌شود. چون انسانی که به دنیا دلبسته است، هرچند به نماز شب بپردازد، بازهم نمی‌تواند به نحو احسن و مطلوب تدبر کند، بلکه تنها به چیزی می‌اندیشد که قلبش را مشغول کرده است.
4. مواضبت بر خواب روزانه [قیلوله]، چرا که این خواب سنت است، و انسان را برای شب‌زنده‌داری یاری می‌کند([[94]](#footnote-94)).

گلچینی از حالات و سخنان گهربار دانشمندان اسلامی

حسن بصری/ می‌فرماید: «هیچ عملی سخت‌تر و طاقت‌فرساتر از دست و پنجه نرم‌کردن با شب و انفاق این سرمایه سراغ نداریم». از وی سؤال شد که حکمت اینکه شب‌زنده‌داران از خوش سیماترین مردم هستند چیست؟ فرمود: حکمت آن این است که اینان با خداوند خلوت کرده‌اند و خداوند هم آنان را با نور خویش آراسته می‌گرداند».

یکی از نیکان از سفری بازگشته بود، برای وی رختخواب راحتی فراهم شد و برآن به استراحت پرداخت، در نتیجه از انجام وظیفه‌ی شبِ خود غافل شد، لذا از این عمل سخت تکان خورد و سوگند یاد کرد که دیگر هرگز روی رختخواب نخوابد.

عبدالعزیز بن رواد/ نیز وقتی که شب خیمه‌ی سیاهش را می‌گستراند به کنار بستر خویش می‌آمد، در حالی که برآن دست می‌کشید، چنین می‌گفت: به خدا قسم، تو خیلی نرمی، ولی آنچه در بهشت است از تو نرم‌تر می‌باشد، و تا صبح به نماز می‌ایستاد.

فضیل/ هم می‌گوید: «وقتی شب فرا می‌رسد از درازی آن وحشت‌زده می‌شوم، اما چون به تلاوت قرآن مشغول می‌شوم تا فرارسیدنِ سپیده‌ی صبح از آن سیر نمی‌شوم و به خواسته‌ام نمی‌رسم». از وصله بن اشیم/ نقل شده است: «تمام شب را نماز می‌خواند، وقتی که سحر فرا می‌رسید، چنین می‌گفت: بار الها! هیچکس مثل من طالب و جوینده‌ی بهشت نیست، پس به فضل و رحمت خود از دوزخ نجاتم ده».

می‌گویند حسن بن صالح کنیزی داشت که آن را فروخت. آن کنیز نزد ارباب جدیدش رفت. وقتی که شب به نیمه رسید، از خواب برخاست و فریاد زد: ای اهل خانه! نماز، نماز، کسانی که در خانه بودند معترض شدند و گفتند مگر صبح فرا رسیده است؟

کنیز گفت: مگر شما به جز نماز فرض، نماز دیگری نمی‌خوانید؟ گفتند: نه. نزد حسن بازگشت و به وی چنین گفت: مرا به قومی فروخته‌ای که جز نماز فرض، نماز دیگری نمی‌گزارند، لذا مرا باز پس گیر. حسن هم پیشنهاد او را پذیرفت.

الربیع می‌گوید: «در منزل امام شافعیس چند شبی به سر بردم، این بزرگوار در شب خیلی کم می‌خوابید».

ابوالجویریه می‌گوید: «شش ماه با امام ابوحنیفه/ همراه بودم، در آن مدت لحظه‌ای راحت نخوابید. شیوه‌ی انسان چنین بود که شب را احیا می‌کرد، یک بار از جایی گذر کرد که اهالی آنجا با اشاره به او گفتند که این فرد تمام شب را احیا می‌کند، گفت: شرمم می‌آید که به چیزی توصیف شوم، ولی آن را عملاً انجام ندهم. لذا پس از آن همیشه تمام شب را احیا می‌کرد».

یکی از جویندگان حدیث نزد امام احمد/ حضور یافت و شب را نزد آن امام به سر برد؛ امام برای او آب وضو آماده کرد؛ ولی وقتی صبح فرا رسید، دید که آب همانطور سر جای خود قرار دارد، لذا خطاب به او گفت: تو طالب حدیث هستی و شب را احیا نمی‌کنی؟!

مالک بن دینار می‌گوید: «شبی وظیفه‌ام را فراموش کردم و به خواب رفتم. در خواب دیدم که کنیزی فوق العاده زیبا با تکه کاغذی در دست می‌گوید: آیا می‌توانی بخوانی؟ گفتم: آری، سپس آن تکه کاغذ را به من داد؛ در آن کاغذ نوشته شده بود: آیا لذت‌ها و آرزوهای دنیا تو را از به دست‌آوردن همدم‌های زیبا و خوش سیمای بهشتی غافل کرده است که در آن به زندگی جاویدان همیشگی می‌پردازی؟ جایی که مرگ را در آن راهی نیست و با حوریان زیبا و خوبروی بهشتی همدم و مونس می‌شوی؟ لذا از خوابت بیدار شو، چرا که از خواب‌گذشتن و انس با قرآن برایت بهتر است».

ابوسهل الصعلوکی در حالی که نفس خود را سرزنش می‌کند، چنین می‌سراید: همراه با غفلت می‌خوابیم در حالی که کبوتران گریانند، در صورتی که از آن‌ها هیچ گناهی سر نزده است، ولی من گناهان بی‌شماری مرتکب شده‌ام؛ به خدا سوگند! دروغ گفته‌ام، اگر عاقل بودم هیچگاه کبوتران بر گریه و ستایش پروردگار از من سبقت نمی‌گرفتند».

دیگری می‌گوید: ای مردان شب‌خیز ! بکوشید، چه بسا فریادهایی که در شب بی‌پاسخ نمی‌ماند. و به قیام شب برنمی‌خیزد، مگر کسی که از اراده‌ی قوی و جدی برخوردار باشد».

سخن آخر

امام شهید حسن البناء/ طی سخنانی دعوتگران را به رازی بزرگ متوجه می‌کند، این راز استمرار آنان را در دعوت و قیام‌شان را به انجام وظیفه تقویت می‌کند. خطاب به آنان می‌گوید: «دقائق الليل غالية فلا ترخصوها بالغفلة»([[95]](#footnote-95)) «لحظات شب گرانبها و پرارزش‌اند، سعی کنید آن‌ها را به بهای ارزانِ غفلت نفروشید».

برخی از اسرار و فواید شب‌زنده‌داری عبارتند از:

1. کسب تقرب و نزدیکی به خدا، زیرا در شب روابط و تعلقات دنیوی از دل بریده می‌شوند، چون شب آرامش‌بخش و سرشار از سکوت و خموشی است. هنگامی که مسلمانی به زمزمه و تلاوت کتابِ ملکوتیِ خداوند می‌پردازد، با روحش به سوی درجات و مقامات بلند روحانی و معنوی به پرواز درمی‌آید و در قلبش چنان شفافیت و نورانیتی پدید می‌آید که تدبر و تفکر در معنای آیات قرآن را برایش سهل و آسان می‌کند: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ٢٤﴾ [محمد: 24]([[96]](#footnote-96)) آن وقت است که قفل‌های قلوب می‌شکند و در پیشگاه خداوند شفاف و پیراسته می‌شود.
2. قیام و شب‌زنده‌داری به مسلمان صبر و شکیبایی می‌آموزد، خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ ٤٥﴾ [البقرة: 45]([[97]](#footnote-97)).

در این آیه و آیات دیگر خداوند صبر را با نماز مقارن کرده است، آن هم بدین سبب که نماز بهترین یاور بر صبر و شکیبایی است به راستی که دعوتگر در مسیر دعوت نیازمند صبر و شکیبایی فراوانی است. چرا که راه و مسیر دعوت آکنده از مشکلات و ناهمواری‌هاست و در برابر این مشکلات و مصیبت‌ها هیچکس نمی‌تواند صبر کند، جز آن کسی که در مدرسه‌ی شبانه، عبادت و دعا و نیایش کرده و در تاریکی‌های شب به ناله و زاری پرداخته است و از نظر روحی و معنوی پرورش یافته باشد، چرا که انسان مؤمن آماده است تا در راه خدا تمام مشکلات و مصیبت‌ها را با عزم و اراده‌ی پولادین و با جدیت و شهامت تمام، پذیرا شود و هیچ وقت سستی و رخوت و یأس و ناامیدی را به قلب خود راه ندهد و در راه خدا قدم‌های استوار و محکم بردارد و جهت پیشبرد اهداف اسلامی و نیل به آن با شجاعت و عزت نفس و با این باور که نیتجه‌ی آن یا نصرت و پیروزی است و یا شهادت در راه خدا که عالی‌ترین آرزوی مسلمان است، پیش برود.

1. این آیه نشان می‌دهد که فرد نمازگزار، شکیبا، فروتن و متواضع است؛ در حالی که قلب او آکنده از امید به رحمت خداوندی است، به نماز روی می‌آورد، آما دیگران در حالی به نماز روی می‌آورند که انگار بار سنگینی بر دوش آنان نهاده می‌شود مثل خروس و ماکیان با عجله به زمین نوک می‌زنند؛ این هم بدان جهت است که چنین فردی از لذت و خشوع نهفته در نماز محروم و بی‌بهره بوده است. نماز در نظر این افراد حرکات و سکنات خشکی است که هیچگونه معنا و مفهومی ندارد.
2. فایده‌ی دیگری که در نماز شب نهفته است، اینکه روح تعاون و همیاری و امر به معروف و نهی از منکر را در انسان تحریک و تقویت می‌کند. چون کسی که در بیدارکردن همسر و نزدیکان خود حساس باشد و برای کسب این خصلت تمرین و ممارست کند، بدون شک این امر، خود به عنوان سرشت و خصلت در تمام شئون و کارهایش درمی‌آید، از این لحاظ است که فایده و سودش به دیگران هم منتقل و خود او هم در همه جا به عنوان یک مبلغ و دعوتگر اسلام مطرح می‌شود، زیرا خویشان و نزدیکان اولین کسانی بودند که خداوند رسول اللهص را به دعوتِ آنان دستور داده است.
3. شب‌زنده‌داری انسان را از ارتکاب گناه حفظ می‌کند، چرا که: الف- دعوتگر نیازمندترین انسان به تقوا و اخلاص است و باید در نظر پروردگار پاک و پیراسته باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٣﴾ [الصف: 2 - 3]([[98]](#footnote-98)).

ب- باید در دید دعوت شوندگان پاک و برای آنان الگو باشد تا به دعوتش بیشتر روی آورند و با کردار و افعال خود ترجمان گفته‌ها و نمایانگر حسن نیاتش باشد.

1. شب‌زنده‌داری صحت و تندرستی جسم را تقویت می‌کند: حق، پیروان و مردان نیرومند و تنومندی می‌طلبد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ﴾ [الأنفال: 60].

پیامبر اسلامص هم می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيْفِ»([[99]](#footnote-99)) «در نزد خدا، مؤمن توانمند از مؤمن ضعیف و ناتوان بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است».

منابع[[100]](#footnote-100)\*

1. حوی، سعید، الأساس فی التفسیر، دارالسلام للطباعة والنشر، القاهره 1405 / 1985.
2. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت 1400.
3. صابونی، محمد علی، مختصر تفسیر ابن کثیر، دارالقرآن، 1399.
4. ناصف، منصور علی، التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول، مکتبه باموق، استانبول، 138 / 1961.
5. بذل المجهود فی حل ابی داود، دارالکتب العلمیة، بیروت.
6. صحیح مسلم، بشرح (إمام شرف الدین یحیی) نووی، دارإحیاء التراث، بیروت، 1404 – 1984.
7. محمد بن محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزوائد، وأعذب الموارد فی تخریج جمع الفوائد، المدینة المنورة، 1381 / 1961.
8. ابن حجر، فتح الباری، شرح صحیح البخاری، مکتبة الکتاب الازهریة، القاهرة، 1398 / 1978.
9. الهیثمی، حافظ ابوبکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دارالکتاب العربی، بیروت 1402 – 1982.
10. غزالی، محمد بن محمد، إحیاء علوم الدین، دارالمعرفة، بیروت.
11. الراشد، محمد احمد، الرقائق، مؤسسة الرسالة، بیروت، 1403.
12. ترمذی، الشمائل المحمدیة.
13. الجوزیه، ابن القیم، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، مؤسسة الرسالة، بیروت، 1404 / 1984.
14. زینو، محمد بن جمیل، قطوف من الشمائل المحمدیة، المدینة المنورة – القاهره. و...

«ای برادر! بهترین زمان مناجات و راز و نیاز، زمان خلوت تو با خداست، آن هم هنگامی که شب پرده‌های سیاهش را بر زمین می‌کشد، ستارگان ظاهر می‌شوند و مردم در خواب فرو می‌روند، ولی خلوت‌گزینان بیدارند و پررودگارشان را یاد می‌کنند، در آن لحظات ناتوانی خویش را ببین، پروردگارت را به بزرگی یاد کن و از ترس هیبتش گریه کن تا دلت آرام گیرد...».

1. ()- «بندگان [خدای] رحمان کسانی هستند که بر زمین، فروتنامه راه می‌روند، و چون جهالت پیشگان خطاب‌شان کنند، با آن‌ها با سلام پاسخ می‌گویند \* و کسانی که به پاس پروردگارشان شب را به سجده و قیام به سر می‌برند...». [↑](#footnote-ref-1)
2. ()- طبرانی. [↑](#footnote-ref-2)
3. ()- الرقائق، محمد احمد الراشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. ()- «برای کسانی که پرهیزگار بوده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که جویبارها در آن روانست و در آن جاویدان با همسران پاکیزه و خشنودی خدا، و خدا به احوال بندگان بیناست \* و کسانی که گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان‌مان را بیامرز و از عذاب جهنم مصون‌مان دار \* و [از آن جمله‌اند] صابران و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش طلبان سحرگاهان...». [↑](#footnote-ref-4)
5. ()- به روایت مسلم، شماره 757، صلاة المسافرین، فی اللیل ساعة مستجاب فیها الدعاء. [↑](#footnote-ref-5)
6. ()- به روایت مسلم. [↑](#footnote-ref-6)
7. ()- بخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-7)
8. ()- «... هیچ پیروزی و فتحی نیست، مگر از جانب خداوند غالب و فرزانه». [↑](#footnote-ref-8)
9. ()- ای مردان شب‌خیز! بکوشید، چه بسا صدا و فریاد شب بی‌پاسخ نمی‌ماند و به قیام شب تنها آن کس برمی‌خیزد که ارادۀ قوی و جدی داشته باشد. [↑](#footnote-ref-9)
10. (\*)- این کتاب ترجمه و اقتباسی است از: علیکم بقیام اللیل، فانه من دأب الصالحین قبلکم؛ تألیف بسام عطیة فرج از انتشارات دارالبشر. [↑](#footnote-ref-10)
11. ()- «پرهیزگاران در میان باغ‌های بهشت و چشمه‌ساران خواهند بود \* در حالی که نعمت‌هایی را که پروردگارشان بدیشان مرحمت فرموده است دریافت می‌کنند، چرا که آنان پیش از آن نیز از زمره‌ی نیکوکاران بوده‌اند \* آنان اندکی از شب می‌خوابیدند و در سحرگاهان درخواست آمرزش می‌کردند...». [↑](#footnote-ref-11)
12. ()- «[آیا چنین شخص مشرکی که حالاتش را بیان کردیم بهتر است] یا کسی که در لحظات شب سجده‌کنان و ایستاده به اطاعت و عبادت مشغول است و خویشتن را از عذاب آخرت به دور می‌دارد و رحمت پروردگارش را خواستار می‌شود. بگو: آیا کسانی که [وظیفه‌ی خود را در قبال خدا] می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابر و یکسانند؟! هرگز، تنها خردمندان [فرق اینان را با آنان تشخیص می‌دهند و از آنان] پند و اندرز می‌گیرند....». [↑](#footnote-ref-12)
13. ()- «ای جامه به خود پیچیده! \* شب را به جز اندکی بیدار بمان \* نیمی از شب یا کمی بیشتر را \* در حالی که قرآن را با ترتیل می‌خوانی قیام کن و بیدار باش...». [↑](#footnote-ref-13)
14. ()- این سخن منسوب به امام مالک/ است. [↑](#footnote-ref-14)
15. ()- به روایت ترمذی و حاکم؛ ر.ک: جمع الفوائد. 1 / 311 ح 2236؛ الفیض 4 / 351. [↑](#footnote-ref-15)
16. ()- به روایت ابوداوود؛ ر.ک: جمع الفوائد 1 / 312 ح 2238. [↑](#footnote-ref-16)
17. ()- به روایت مسلم. [↑](#footnote-ref-17)
18. ()- به روایت ابوداود. [↑](#footnote-ref-18)
19. ()- به روایت بخاری در تفسیر سوره‌ی فتح. [↑](#footnote-ref-19)
20. ()- به نقل از «قیام اللیل» محمد عبدالله الخطیب. (مترجم) [↑](#footnote-ref-20)
21. ()- به روایت حاکم، ابن ماجه و ترمذی درجه‌ی حدیث را «حسن صحیح» ذکر کرده است. [↑](#footnote-ref-21)
22. ()- جمع الفوائد 1 / 312 – ح 2244. [↑](#footnote-ref-22)
23. ()- به روایت بخاری، و مسلم و نسایی؛ جمع الفوائد 1 / 313 ح 2245. [↑](#footnote-ref-23)
24. ()- به روایت بخاری، باب قیام اللیل 6 / 8 ح 1122. [↑](#footnote-ref-24)
25. ()- «خداوند حالت [و وضعیت و سرنوشت] هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد، تا آن زمان که خودشان در خود تغییر و تحول ایجاد نکنند...». [↑](#footnote-ref-25)
26. ()- به روایت مسلم، باب صلاة النبی ج و دعائه، 6 / 45 – 46. [↑](#footnote-ref-26)
27. ()- به روایت بخاری؛ باب التهجد باللیل 6 / 3، ح 1120؛ نیز مسلم؛ باب صلاة النبی ودعائه 6/54 – 55. [↑](#footnote-ref-27)
28. ()- به روایت مسلم، باب صلاة النبی ج و دعائه، 6 / 56 – 57. [↑](#footnote-ref-28)
29. ()- به روایت مسلم؛ باب استحباب تطویل القراءة فی صلاة اللیل، 6 / 61 – 62. [↑](#footnote-ref-29)
30. ()- بخشی از سورۀ انعام، آیۀ 79. (مترجم) [↑](#footnote-ref-30)
31. ()- بخشی از سورۀ انعام، آیۀ 162 – 163. (مترجم) [↑](#footnote-ref-31)
32. ()- به روایت مسلم، 6 / 56 – 60. [↑](#footnote-ref-32)
33. ()- به روایت مسلم، 6 / 36. [↑](#footnote-ref-33)
34. ()- همان. [↑](#footnote-ref-34)
35. ()- جمع الفوائد، حدیث شماره 579، 580 و 901. [↑](#footnote-ref-35)
36. ()- به روایت ابن خزیمه، ابن حبان، بیهقی، نسایی و...، جمع الفوائد، حدیث شماره 585. نیز ر.ک: الحاشیه، 1 / 90. [↑](#footnote-ref-36)
37. ()- به روایت بخاری، باب طول القیام فی صلاة اللیل، ح 1136؛ مسلم، 6 / 23 – 24. [↑](#footnote-ref-37)
38. ()- به روایت بخاری، باب الدعاء والصلاة من آخر اللیل، 6 / 35 – 38 ح 1145. [↑](#footnote-ref-38)
39. ()- متن عربی به این صورت است: «ينزل ربنا تباك وتعالى كل ليلة إلى السماء الدنيا حين يبقي ثلث الليل الآخر يقول: من يدعوني فأستجيب له؛ من يسألني فأعطيه؛ من يستغفرني فأغفر له». [↑](#footnote-ref-39)
40. ()- به روایت بخاری، باب من نام عند السحر، 6 / 19 – 20 ح 1131. [↑](#footnote-ref-40)
41. ()- به روایت بخاری، باب من نام عند السحر، 6 / 21 / 22 ح 1123. [↑](#footnote-ref-41)
42. ()- به روایت اصحاب سنن؛ ترمذی آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-42)
43. ()- به روایت بخاری، باب کیفیت صلاة النبی، 4 / 24 ح 1137. [↑](#footnote-ref-43)
44. ()- به روایت مسلم به نقل از عایشهل و ابوهریره، ر.ک: شرح نووی، 6 / 54. [↑](#footnote-ref-44)
45. ()- همان. [↑](#footnote-ref-45)
46. ()- به روایت بخرای، باب قیام النبی ج فی رمضان و غیره، 6 / 49 ح 1147. نیز به روایت مسلم، باب صلاة اللیل وعدد رکعات النبی ص، 6 / 17. [↑](#footnote-ref-46)
47. ()- به روایت بخاری، حدیث شماره 6 / 24 ح 1138. [↑](#footnote-ref-47)
48. ()- به روایت بخاری، حدیث شماره 1140. مسلم هم این حدیث را روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-48)
49. ()- به روایت بخرای، حدیث شماره 1147. [↑](#footnote-ref-49)
50. ()- زاد المعاد، 1 / 329. [↑](#footnote-ref-50)
51. ()- به روایت بخرای، حدیث شماره 1139؛ مسلم هم این حدیث را روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-51)
52. ()- متفق علیه. [↑](#footnote-ref-52)
53. ()- به روایت مسلم، باب صلاة اللیل مثنی مثنی والوتر رکعة من آخر اللیل، 6 / 35. [↑](#footnote-ref-53)
54. ()- به روایت ابوداوود، باب فی الدعاء بعد الوتر، با سند صحیح؛ حاکم و ذهبی نیز آن را به عنوان حدیث روایت کرده‌اند. ر. ک: بذل المجهود، 7 / 254. [↑](#footnote-ref-54)
55. ()- همان، 7 / 256 – 257، با دخل و تصرف. منظور از ائمه‌ی اربعه، امام مالک، امام ابوحنیفه، امام شافی و امام احمد بن حنبلش می‌باشند. (مترجم). [↑](#footnote-ref-55)
56. ()- «... و قرآن را [همراه با دقت و تأمل و در ضمن شمرده و روشن] بخوان...». [↑](#footnote-ref-56)
57. ()- به روایت ابوداود، نسایی و ابن ماجه، جمع الفوائد 7354. [↑](#footnote-ref-57)
58. ()- به روایت بخاری، مسلم، ابوداود و نسایی، جمع الفوائد، 1 / 288 ح 7358. [↑](#footnote-ref-58)
59. ()- به روایت مسلم و نسائی، جمع الفوائد، 1 / 313 ح 2251، برخی از این حدیث چنین استنباط می‌کنند که تقدیم و تأخیر سوره‌ها، در قرائت قرآن، در نماز و سایر مواضع، جایز و درست است. [↑](#footnote-ref-59)
60. ()- هفتاد و سومین سوره‌ی قرآن مجید و دارای بیست آیه است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-60)
61. ()- به روایت صاحبان صحاح سته، جمع القوائد، 1 / 314 ح 2259. [↑](#footnote-ref-61)
62. ()- به روایت ترمذی، او این حدیث را حسن غریب می‌داند جمع الفوائد 1 / 316، 2271. [↑](#footnote-ref-62)
63. ()- «اگر آنان را مجازات کنی، پس بندگان تو هستند [و هرگونه که بخواهی در باره‌ی آنان می‌توانی عمل کنی] و اگر از آنان گذشت کنی بازهم [تو خود دانی و توانی چرا که] تو چیره و فرزانه‌ای». [↑](#footnote-ref-63)
64. ()- به روایت بخاری، باب مایکره من التشدید فی العبادة، 6 / 43 – 44، ح 1150. [↑](#footnote-ref-64)
65. ()- به روایت بخاری، همان باب، 6 / 46 – 47، ح 1153. [↑](#footnote-ref-65)
66. ()- به روایت بخاری، مسلم، ابوداود و نسایی، جمع الفوائد 1 / 570. [↑](#footnote-ref-66)
67. ()- «مردان و زنان مؤمن دوستانِ یکدیگرند، همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان‌که باید می‌گزارند و زکات را می‌پردازند و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. اینان کسانی هستند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. [این وعده‌ی خداست و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد، و از وفای بدان هم ناتوان نیست، چرا که] خداوند توانا و حکیم است ...». [↑](#footnote-ref-67)
68. ()- به روایت ابوداود و نسائی با سند صحیح، الاحیاء 1 / 345. [↑](#footnote-ref-68)
69. ()- به روایت ابوداود، نسایی، ابن ماجه، ابن خزیمه، ابن حبان و حاکم (به شرط مسلم)، الترغیب 1 / 428. به نقل از جمع الفوائد 1 / 312. [↑](#footnote-ref-69)
70. ()- مجمع الزوائد 2 / 264. [↑](#footnote-ref-70)
71. ()- به روایت مسلم، باب صلاة النبی ج و دعائه باللیل. [↑](#footnote-ref-71)
72. ()- «... ولی انسان [طبیعتاً دوست‌دار جر و بحث و مشاجره است و] بیش از هرچیز به مجادله می‌پردازد [و با حقایق می‌ستیزد]...». به روایت بخاری، باب تحریض النبی ج علی قیام اللیل، 6 / 11 – 13 ح 1127. [↑](#footnote-ref-72)
73. ()- همان. [↑](#footnote-ref-73)
74. ()- به روایت احمد و بزار؛ مجمع الزوائد 2 / 258. [↑](#footnote-ref-74)
75. ()- «... مسلّماً نماز [انسان را] از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند [از نظر شرع] باز می‌دارد...». [↑](#footnote-ref-75)
76. ()- این حدیث را صاحبان صحاح سته به جز ترمذی روایت کرده‌اند، جمع الفوائد، 1 / 312 – 313. [↑](#footnote-ref-76)
77. ()- به روایت ابوامامه، حاکم نیز آن را به شر بخاری صحیح دانسته است. بیهقی و ذهبی هم آن را نقل کرده‌اند. الفیض 4 / 351 به نقل از حاشیه‌ی جمع الفوائد، 311. [↑](#footnote-ref-77)
78. ()- «... از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید 8 آن [چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است] جز وحی ]و پیامی] نیست که [از سوی خدا بدو] وحی می‌شود». [↑](#footnote-ref-78)
79. ()- شرح السنة. ر.ک: قطوف من الشمائل المحمدیة (اثر ترمذی) ص 77. [↑](#footnote-ref-79)
80. ()- در بحث آینده این مطلب را بیان خواهیم کرد. [↑](#footnote-ref-80)
81. ()- به روایت بخاری، الفتح، 6 / 40 ح 1148. [↑](#footnote-ref-81)
82. ()- به روایت بخاری، 6 / 35 ح 1139. [↑](#footnote-ref-82)
83. ()- «... منافقان، هنگامی که برای نماز برخیزند، سست و بی‌حال به نماز می‌ایستند..». [↑](#footnote-ref-83)
84. ()- به روایت بخاری، 6 / 43 ح 1150. [↑](#footnote-ref-84)
85. ()- به روایت بخاری، باب ترک القیام للمریض، 6 / 9 ح 1124. نیز باب مایکره من التشدد فی العبادة. [↑](#footnote-ref-85)
86. ()- به روایت نسایی و ابن ماجه از حدیث ابوالدرداء با سند صحیح، ر.ک: الفیض 5 / 427 به نقل از جمع الفوائد 1 / 313. [↑](#footnote-ref-86)
87. ()- به روایت مسلم 6 / 28 – 29، نیز ابوداود، ر.ک: بذل المجهود 7 / 70. [↑](#footnote-ref-87)
88. ()- به روایات مسلم 6 / 28 – 29 ابوداود و نسایی هم آن رار وایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-88)
89. ()- «سرمشق و الگوی زیبایی در [شیوه‌ی پندار و گفتار و کردار] پیامبر خدا برای شماست. برای کسانی که [دارای سه ویژگی باشند:] امید به خدا داشته و جویای قیامت باشند و خداوند را بسیار یاد کنند...». [↑](#footnote-ref-89)
90. ()- فتح الباری 6 / 3. [↑](#footnote-ref-90)
91. ()- شرح النووی علی مسلم، 6 / 26 – 27. [↑](#footnote-ref-91)
92. ()- هفتاد و سومین سوره‌ی مبارکه‌ی قرآن و دارای بیست آیه است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-92)
93. ()- به روایت مسلم، ابوداود و نسایی، جمع الفوائد 1 / 315 ح 2262. [↑](#footnote-ref-93)
94. ()- رسول اللهص می‌فرماید: «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيَاطِين لَا تَقِيل» «قیلوله کنید، زیرا که شیطان قیلوله نمی‌کند». این حدیث را طبرانی در «الاوسط» و ابونعیم در «الطلب» از طریق انس روایت کرده‌اند، آلبانی نیز در سلسله‌ی الاحادیث الحصیحة، شماره 1647 و صحیح الجامع الصغیر، شماره 4431 آن را حسن دانسته است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-94)
95. ()- مجله‌ی الدعوة، دوره‌ی پیشین، شماره 63. به نقل از الرقائق. [↑](#footnote-ref-95)
96. ()- «آیا در باره‌ی قرآن نمی‌اندیشند [و مطالب و نکات آن را بررسی و وارسی نمی‌کنند؟] یا اینکه بر دل‌هایی قفل‌های [ویژه‌ای] آن را زده‌اند...». [↑](#footnote-ref-96)
97. ()- «و از شکیبایی و نماز [که دل را پاکیزه و انسان را از گناهان و پلیدی‌ها به دور می‌دارد] یاری جویید. و نماز سخت [دشوار و گران] است، مگر برای فروتنان [دوستدار طاعت و عبادت]... آن کسانی که به یقین می‌دانند خدای خویش را [پس از دوباره زنده‌شدن] ملاقات خواهند کرد. و اینکه ایشان به سوی او باز خواهند گشت [تا حساب و کتاب باز پس بدهند و پاداش خود را دریافت دارند]...». [↑](#footnote-ref-97)
98. ()- «ای مؤمنان! چرا سخنی [به دیگران] می‌گویید که خود [برابر آن] عمل نمی‌کنید؟ \* اگر سخنی را بگویید و خود برابر آن عمل نکنید، موجب کینه و خشم عظیم خدا می‌شود...». [↑](#footnote-ref-98)
99. ()- به روایت مسلم، کتاب القدر، 34. نیز ابن ماجه، المقدمه. 1 . احمد (بن حنبل) نیز این حدیث را روایت کرده است 2 / 366 – 370. [↑](#footnote-ref-99)
100. (\*)- این فهرست از روی چاپ دوم کتاب، برای استفاده‌ی بیشتر علاقمندان، تهیه و تنظیم شده است. [↑](#footnote-ref-100)